

جهان به ارادهٔ ملی مردم افغانستان در تشکیل نظام و زعامت سیاسی شان احترام نماید و مطابق ذوق و سلیقه های بخصوص هیچ جهتی، فرد و یا گروه و سیستم خاصی را بر مردم ما تحمیل نه نماید.

از سخنان رهبر شهید

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم -سال سیزدهم - شمارهٔ هفدهم ۱۸ اسد ۱۳۹۳ ۱۲ شوال المکرم ۱۴۳۵ 9 August 2014

دومین سفرجان کری به کابل

و امضای اعلامیهٔ مشترک هر دونامزد



داکتر عبدالله: دیگر زمان آن نیست که روی حکومت وحدت ملی بحث کنیم، بلکه باید در مورد آن گام های عملی را برداریم.

داکتر احمدزی: شرایط فعلی ایجاب می کند تا از تجارب تلخ عراق و سوریه درس عبرت بگیریم.

جان کری: جزئیات توافقنامه راه را برای آیندهٔ افغانستان روشن می سازد و نقش هر دو کاندید برای آیندهٔ افغانستان در این توافقنامه مهم دانسته شده است.

اندیشه

دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری با حضورجان کری وزیر امور خارجهٔ ایالات متحدهٔ امریکا عصر روز جمعه تاریخ ۱۷ اسد در یک کنفرانس خبری ظاهر شدند. هردو نامزد از امضای موافقتنامه برای ایجاد حکومت مشترک زیر چتر حکومت وحدت ملی خبر دادند و از اصلاحات گسترده زیر سایهٔ حکومت مشترک سخن گفتند.

هردو نامزد تصریح کردند که توافقات شان در روشنی با قانون اساسی صورت گرفته است. در این نشست خبری ابتدا داکتر عبدالله عبدالله رهبر تیم اصلاحات و همگرایی صحبت کرد و از امضای توافق نامه با رقیب خود داکتر غنی خبر داد. آقای عبدالله گفت: دیگر زمان آن نیست که روی حکومت وحدت ملی بحث کنیم، بلکه باید در مورد آن گام های عملی را برداریم. وی افزود، ما توافق کردیم که باهم یکجا کار کنیم

ص۴

متن اعلامیهٔ مشترک تیم های انتخاباتی

در مورد نهایی سازی قانونمند دور دوم انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳ و تشکیل حکومت وحدت ملی

بسم الله الرحمن الرحیم

کابل ۱۷ اسد ۱۳۹۳

شکی نیست که کشور عزیز ما در یکی از حساس ترین مراحل تاریخ سیاسی خویش قرار دارد. عبور موفقانه ازین مرحله حساس نیازمند داشتن یک دولت قوی و مشروع است که بر مبنای اجماع سیاسی و اراده استوار همگانی تشکیل گردد.

در نتیجه درک مشترک از حساسیت وضع موجود، ضرورت شکل دهی به یک اجماع وسیع ملی به منظور انجام اصلاحات اساسی و ایجاد تحول بنیادی در حال مبدل شدن به باور عمومی قشر سیاسی جامعه ما میباشد. تیم های انتخاباتی شامل در مرحله دوم انتخابات بمثابه مراکز تبلور و تبارز اراده اکثریت قاطع ملت ما مسوول اند در همچو شرایط حساس در تشکیل حکومت وحدت ملی رسالت ایمانی و ملی خویش را ایفا نمایند.

با باور مشترک به نکات یادشده و با وقوف به ضرورت حیاتی همکاری ملی، ما امضا کننده گان این سند به نمایندگی از هردو تیم انتخاباتی تصمیم گرفتیم تا موارد آتی را بحیث تصامیم مشترک به استحضار ملت شریف افغانستان برسانیم:

۱- التزام و احترام به قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان و حرکت در چهارچوب احکام و دستورات آن، سنگ بنای تمام اقدامات و اصلاحاتی خواهد بود که در حال حاضر و آینده مورد توجه قرار می گیرد. به همین منوال، حفظ دستاوردهای جهاد و مقاومت مردم افغانستان و تجربه پویای دموکراتیک سیزده ساله اخیر اصول راهگشا در تحقق برنامه ملی اصلاحات خواهد بود.

۲- هردو جانب به تمامیت چهارچوب سیاسی که بتاریخ ۲۱ سرطان ۱۳۹۳ (۱۲ جولای ۲۰۱۴) مورد توافق قرار گرفت (مراجعه شود به سند ضمیمه شده) متعهد و پابند می باشند، بشمول ایجاد حکومت وحدت ملی، ایجاد فوری پست رئیس اجرائیوی حکومت توسط فرمان رئیس جمهور، تشکیل لویه جرگه در مدت دوسال که پست صدر اعظم اجرائیوی را مورد مداقه قرار دهد، تعیین مقامات بلند رتبه مطابق به اصول توافق شده و برمبنای شایستگی، و اصلاحات، بشمول اصلاحات در نظام انتخاباتی، توافق روی این چهارچوب سیاسی که با حمایت همکاران بین المللی کشور ما حاصل گردیده، اساس توافق سیاسی است که در مطابقت با قانون اساسی افغانستان می باشد تا از تطبیق برنامه اصلاحات و تحول حمایت نماید، و ما متعهد هستیم که مفاد آنرا به یک موافقتنامه تفصیلی و پایدار در زودترین فرصت ممکن مبدل ساخته و به امضا برسانیم. همچنان، همکاری برای تحقق موفقانه امور تخنیکی،

ص۶

قاتلین مردم غزه



ابوبکر سبزوار

بعد از سه هفته بمباران و نسل کشی در غزه توسط اسرائیل و به همکاری مستقیم امریکا و همکاری غیر مستقیم کشورهای عرب، سرانجام امریکا و اسرائیل مجبور شدند تا تن به آتش بس بدهند. دامنهٔ این جنایات آنان در غزه بحدی وسیع بود که سرانجام سروصدای هواداران اسرائیل در غرب را نیز علیه این جنگ بلند کرد؛ رئیس جمهور و وزیر خارجهٔ فرانسه با لحن شدید از این جنایت به انتقاد پرداختند و گفتند که دفاع از خود توسط اسرائیل هرگز نمی تواند کشتار کودکان فلسطینی را توجیه کند.

در حالیکه اسرائیل به کشتن کودکان و زنان و مردان غیرنظامی در غزه ادامه می داد و تعداد کشته ها از مرز ۱۸۰۰ تن گذشته است، کنگرهٔ امریکا بجای اینکه از هلوکاست برپاشده توسط صهیونیست ها در غزه ابراز نگرانی نماید، از کمبود موشک های ضد موشک اسرائیل که به گنبد آهنین معروف است ابراز نگرانی کرده و بیش از دوصد میلیون دالر برای ارسال این موشک ها به اسرائیل بودجهٔ جدید را تصویب کرد. این درحالیست که ادوارد سنودن در یک افشاگری از کمک های بی پیشینهٔ امریکا در دوران زمامداری باراک اوباما به رژیم صهیونیستی پرده برداشته است. این افشاگری نمایانگر این حقیقت است که بدون کمک و چراغ سرخ قصر سفید، اسرائیل نمی توانست دست به چنین جنایت هولناک بزند.

ص۷

تفتیش شود نه بازشماری! ص۲

از پلان مارشال در اروپا تا پلان جنرال در افغانستان!! ص۲

فتنهٔ خوابیده! ص۳

۱۰۰ سال پس از جنگ جهانی اول (۱۹۳۹_۱۹۴۵م) ص۳

پاکستان و امنیت ملی ما ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کوچه اول سرک لیسه نادریه — عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

تفتیش شود نه بازشماری!

چالش ها و تنش هایی که سر راه انتخابات دور دوم ریاست جمهوری قد برافراشت و با تقلب های گستردهٔ سازمان یافته چنان به بی باوری و بی اعتمادی ها افزود که در تمام عرصه ها مردم را زمینگیر کرد.

سازمان دهنده گان تقلب به امید اینکه قدرت و کرسی اقتدار و حاکمیت شان برجا بماند و یا اقلاً شریک قدرت سیاسی و اقتصادی در کشور باشند و اندوخته های شان از دست نرود، تصمیم گرفتند تا بهر صورت ممکن، تیمی را که ناکامی آن از نتایج دور اول آشکارا بود راهی ارگ نمایند. در اسناد افشا شدهٔ اخیر تذکر رفته، برای پیروزی این تیم؛ از هر وسیله و فرصت و ابزاری استفاده کنید!

در حالی که تیم اصلاحات و همگرایی بر درست بودن این نوارهای صوتی تأکید دارد، هستند اشخاص، گروه ها و حلقاتی که بخاطر برائت و سرپوش گذاری روی تقلب های انتخاباتی شان، واقعیت های مبتنی بر اسناد را "اتهام" و "جنگ روانی" وانمود می کنند. بدون تردید، رسوایی پدیدهٔ تقلب است که بالای روح و روان شهروندان کشور اثر گذاشته، جهان در پاک کاری این پدیدهٔ شوم، در تلاش است.

برای اولین بار که در جهان نظیر ندارد، تمام صندوق های رأی دهی از ولایات افغانستان به مرکز کمیسیون انتخابات در کابل انتقال شد تا تفتیش و بررسی صد درصدی تحت نظر ملل متحد آغاز و آرای ناپاکی که ارادهٔ مردم افغانستان در آن ها نیست، از آرای پاک جدا شود. اما بازهم دست های پیدا و پنهان، بدون درنظرداشت طرح های تیم اصلاحات و همگرایی، طرزالعملی را ترتیب دادند که مطابق این لایحهٔ کاری تفتیش نه بلکه، بازشماری آراء محسوب می شد و نمی توانست در شفافیت این پروسهٔ ملی ترتیب اثر دهد.

بازشماری بدون طرزالعمل قابل قبول برای همه، باعث شد تا پنج مراتب شمارش آراء تعویق و آغازهای موقت را در پی داشته و ایجاد کنندهٔ نگرانی میان شهروندان کشور بوده باشد. سرانجام بعد از رایزنی ها و مقاومت تیم اصلاحات و همگرایی، نمایندگی ملل متحد در افغانستان بر آن شد، تا روی برخی موارد اختلافی به توافق برسند. روند تفتیش آرای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری با اشتراک تیم اصلاحات و همگرایی دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته ۱۳ اسد از سر گرفته شد.

به منظور شفافیت بخشیدن این پروسهٔ ملی و بخاطر خاتمه دادن بی باوری های مردم به نهادهای انتخاباتی، جهت نهادینه شدن مردم سالاری و حُرمت گذاشتن به آرای مردم، از همه دست اندرکاران عرصهٔ تفتیش و شمارش آراء اعم از داخلی و خارجی می طلبیم تا میان تفتیش و بازشماری فرق قایل شوند و واقعاً به تفتیش آراء بپردازند تا بیشتر از این، این پروسهٔ ملی به چالش کشانیده نشود و دستخوش آمال و آرزوهای تقلب کاران نگردد.

از پلان مارشال در اروپا تا پلان جنرال در افغانستان!!

وحید مژده

زمانی که در پایان سال ۲۰۰۱ نیروهای خارجی وارد افغانستان شدند، در این کشور تعدادی از اهل نظر به این باور بودند که افغانستان برای بازسازی به برنامه ای شبیه به پلان مارشال Marshall plan نیاز دارد تا این کشور را از ورشکستگی اقتصادی نجات داده و به شاهراه پیشرفت و ترقی رهنمون گردد.

پلان مارشال برنامه ای بود که از طرف وزیر خارجهٔ امریکا در سال های ۱۹۴۷ الی ۱۹۴۹ پیشنهاد شد و طی آن امریکا به کشورهای اروپائی برای بازسازی اقتصاد آنان کمک کرد.

بسیاری از کشورهای اروپائی که در جنگ دوم جهانی ویران شده بودند، به کمک این طرح توانستند تا اقتصاد خود را بازسازی نمایند و دوباره در مسیر پیشرفت و ترقی گام بردارند.

پیشنهاد چنین طرحی در سال ۲۰۰۱ برای افغانستان یک آرزوی بلند پروازانه بود زیرا شرایط افغانستان با شرایط اروپای بعد از جنگ جهانی دوم فرق داشت اما این تقاضا لااقل یک نیاز اساسی را نشاندهی می کرد و آن اینکه کمک به افغانستان باید بر بنیاد یک برنامهٔ جامع و بر بنیاد اولویت ها صورت گیرد اما متاسفانه چنین نشد.

شرایط متفاوت:

یکی از دلایل مهم پیروزی طرح مارشال در اروپا این بود که در اروپا زمانی طرح مارشال پیاده شد که کشورهای اروپائی از جنگ بیرون آمده بودند اما در افغانستان کمک به بازسازی افغانستان با جنگ همزمان به پیش برده شد. جنگ که حاصلش ویرانگری است با بازسازی در تضاد است و به همین دلیل در کشورما جنگ فرصت های مهمی را که می توانست به نفع پیشرفت اقتصادی از آن بهره برداری گردد، به هدر داد.

در شرایط جنگ مصارف پروژه ها را بشدت افزایش یافت و در عین حال روی کیفیت کار و بازسازی تاثیر منفی از خود برجا نهاد. کشورهای خارجی فقط تلاش داشتند تا بودجه ای را که برای بازسازی افغانستان همه ساله دریافت می کردند، به مصرف برسانند و موضوع کیفیت کار در قدم اول اهمیت قرار نداشت.

به دلیل نا امنی ها، امکان کنترول در کار پروژه ها به حداقل کاهش یافت. بعنوان مثال شاهراه کابل قندهار، هرات که با مصرف صدها میلیون دالر تکمیل شد، از کیفیت لازم برای بهره برداری برخوردار نبود. در کشوری که فاقد خط آهن است، جاده ها باید حمل و نقل سنگین را تحمل نمایند. کیفیت ساختمان جاده ها باید با معیارها و استاندارد هائی می بود که در دوران اتحاد شوروی در افغانستان ساخته شد اما در این کشور خارجی ها اصلاً توجهی به کار زیربنائی نداشتند. به نظر می رسید که آنها فقط می خواهند پول مصرف کنند اما مهم نبود که در برابر مصرف این پول ها، چه به افغان ها هدیه می دهند.

قرارداد پروژه های بزرگ در افغانستان را کمپنی های امریکائی گرفتند و بعد از



جورج مارشال

طریق قرارداد های فرعی و در برابر کمیشن به کمپنی های دیگر دادند که اصطلاحاً آنرا Sub Contract می نامند. در بعضی از موارد سب کانترکتور ها هم قرارداد را به کمپنی های کوچکتر دیگر دادند و از آنان کمیشن گرفتند.

جالب است که در آن زمان نهادی به نام بازرس و تفتیش از جانب امریکا برای بازرسی این کارهای غیرقانونی به افغانستان نیامد و گوئی قصداً اجازه داده شد تا پول های هنگفتی با چنین برنامه ها حیف و میل گردد.

سرمایهٔ انسانی:

مقایسهٔ افغانستان با اروپای بعد از جنگ دوم جهانی از این نظر نیز غلط است که در جنگ جهانی دوم از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ اروپا به ویرانی مادی مواجه شد اما بخش بزرگی از قوای کار متخصص که قبل از جنگ در این کشورها به کار مشغول بودند، بعد از جنگ نیز آمادهٔ کار بودند. بعبارهٔ دیگر اروپا سرمایهٔ مادی خود را از دست داده بود اما سرمایهٔ انسانی که نقش مهمی در بازسازی این کشورها بعد از جنگ ایفا کرد، بصورت کامل از بین نرفته بود.

اروپا به دالر امریکا نیاز داشت اما به مشاور و متخصص امریکائی و کمپنی های امریکائی برای بازسازی ویرانی ها نیاز نداشت. این کار را نیروهای بومی این کشورها خود انجام دادند و این تجربه بار دیگر بدست آمد که یک کشور بدست مردم خود آن کشور ساخته می شود نه بدست خارجی ها.

متخصصین بومی در کشورهای اروپائی بر بنیاد تجارب بدست آمده از جوامع و کشورهای شان، اولویت ها در بازسازی را انتخاب کردند اما در افغانستان این کار را یا خارجی خود شان و یا افغان هائی که از خارج آمده بودند و با معیارهای جوامع غربی برای افغانستان انتخاب کردند و این مسئله موجب شد تا بنیاد های رشد اقتصادی با شرایط کشور همخوانی نداشته باشد.

حاکمیت قانون:

جنگ موجب از میان رفتن حاکمیت قانون می گردد و نبود حاکمیت قانون زمینه ساز انواع فساد در جامعه است. در کشور های بعد از جنگ در اروپا، حاکمیت قانون مانع از حیف ومیل شدن کمک های خارجی شد و مردم با حداقل دستمزد تلاش کردند و ویرانی های دوران جنگ را در مدت کوتاه از میان بردارند.

از جانب دیگر پلان مارشال موجب شد تا طبقهٔ متوسط در کشورهای اروپائی رشد کنند و این طبقه با قدرت خرید خود موجب تقویت سرمایه گذاری و تولید بیشتر شدند. تقویت سرمایه گذاری خود موجب کاهش بیکاری و از میان رفتن فقر گردید بحدی که آلمان به دلیل کمبود قوای کار لازم برای بازسازی، از کارگران کشورهای دیگر بخصوص ترکیه استفاده می کرد.

اما در افغانستان در مدت سیزده سال، به دلیل نبود حاکمیت قانون و دوام جنگ، بجای اینکه طبقهٔ متوسط مجال سربلند کردن بیابد، یک گروه کوچک مافیائی و بسیار ثروتمند رشد کرد که مانع بزرگ بمیان آمدن طبقهٔ متوسط گردید. تعبیر نادرست از اقتصاد بازار نیز موجب شد تا کسانی که با سرمایه گذاری های متوسط تلاش کردند کاری در این کشور انجام دهند، اکثرا با زیان های هنگفت و حتی ورشکستگی مواجه شدند. به همین دلیل کمک ها در طول دوازده سال گذشته موجب ایجاد تحرک در اقتصاد نشد و بجای تولید محصولات مورد نیاز مردم به رشد تورید از خارج بخصوص کشور های همسایه کمک کرد.

نتیجه:

می توان نتیجه گرفت که برنامهٔ جنگ و بازسازی بصورت همزمان نمی تواند یک برنامهٔ موفق باشد و افغانستان مثال روشن این شکست است. وقتی نتیجهٔ بازرسی های امریکا در افغانستان نشان می دهد که در این کشور در طول سیزده سال گذشته بیش از ۱۱۰ میلیارد دالر یعنی معادل پولی که بعد از جنگ جهانی دوم در شانزده کشور اروپائی بر بنیاد طرح مارشال هزینه شده است به مصرف رسیده ولی تغییری چشمگیر در افغانستان بمیان نیامده است، نه تنها شکست برنامه های کمک برای افغانستان را نشان می دهد بلکه نشان از بی سروسامانی در نظام سیاسی امریکا نیز دارد.

نظامیان در امریکا خواهان جنگ در افغانستان بودند و بهانهٔ آنان نیز واقعهٔ یازدهم سپتامبر بود. درحالیکه اگر امریکا قصد حل مشکل افغانستان را بشکل بنیادی می داشت باید بجای جنگ از همان آغاز کار به برنامهٔ بازسازی وتوسعه در این کشور بیشتر توجه می کرد که چنین نکرد. در افغانستان بجای روی دست گرفتن طرحی شبیه به طرح مارشال، طرح جنرال ها روی دست گرفته شد که غیر از مصارف به هدر رفتهٔ بازسازی، مصارف جنگ برای امریکا نیز صدها میلیارد دالر و به کشته و مجروح شدن هزاران سرباز امریکائی انجامید. جنگی که امروز اکثریت مردم امریکا آنر عبث و بی دست آورد می دانند.



۱۰۰ سال پس از جنگ جهانی اول

(۱۹۳۹_۱۹۴۵م)

□ عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

جنگ جهانی اول در اوت ۱۹۱۴ میلادی آغاز و در نومبر ۱۹۱۸ پایان یافت. این جنگ بزرگترین حادثهٔ تاریخی در دههٔ دوم قرن بیستم محسوب می شود، قبل از این هیچ جنگی به این پیمانه تلفات انسانی در پی نداشته است. در این جنگ برای نخستین بار سلاح های شیمایی بکار گرفته شد و مناطق غیر نظامی مورد بمباردمان بی رحمانه قرار گرفت. این جنگ نقشهٔ جهان را تغییر داد و سلسله های بزرگ شاهی در جهان منقرض گردید. سلسلهٔ شاهی هوهنزلرن، هابسبورگ، عثمانی و رومانوف که هر کدام مناطق بزرگ از جهان را در کنترول خود داشت، جایش را به قدرت های جدید تعویض نمود.

سلسلهٔ شاهی اتریش، مجارستان، آلمان، عثمانی و روسیهٔ تزاری که از زمان حکومت صلیبی ها در قدرت بودند، در ختم این جنگ، این قدرت ها به تاریخ پیوستند و قدرت های جدید، بر خرابه های آن بناء گردید. نتیجهٔ این جنگ پرورش فاشیزم در ایتالیا و نازیزم در آلمان بود که هر دو منفورترین سیستم های سیاسی در جهان بوده است. این جنگ در نتیجهٔ ظهور فاشیزم هتلری، موجبات و مقدمات جنگ جهانی دوم را (۱۹۳۹_۱۹۴۵ م) را به وجود آورد که به مراتب سنگین تر از جنگ جهانی اول بوده است. در نتیجهٔ این جنگ، انقلاب بلشویکی در اتحاد شوروی به وجود آمد و کشورهای آسیای میانه به شمول تعدادی از کشورهای اروپایی به تسلط این نظام در آمد. چین و کیوبا در نتیجهٔ این جنگ سیستم سوسیالستی را اختیار نمودند و در نتیجه انقلاب فرهنگی در چین میلیون ها مسلمان در این کشور کشته و تبعید شدند و یا پا به فرار نهادند.

در انقلاب سوسیالستی ۱۹۱۷ میلادی در اتحاد شوروی میلیون ها انسان کشته و یا فراری گردیدند و مسلمانان آسیای میانه سخت ترین مصایب را متحمل گردید. اتحاد شوروی به یک ابر قدرت تبدیل گردید و جنگ سرد میان امریکا و اتحاد شوروی در ختم این جنگ آغاز گردید. این جنگ سرآغاز بسیاری از تنش ها میان شرق و غرب بوده و کشورهای اروپایی کشورهای زیادی را به تسلط خود در آوردند.

در نتیجهٔ جنگ جهانی اول ترکیهٔ عثمانی از میان رفت و جایش را ترکیهٔ فعلی گرفت و بسیاری از قلمرو ترکیهٔ عثمانی را فرانسوی ها و انگلیس ها به کتنرول خود در آوردند و بهره کشی از این کشورها آغاز گردید. اتریش و اروپای مرکزی امپراتوری های خود را از دست داد. کشورهای چک و یگوسلوایا تازه به میان آمد. دولت لهستان از بخش های آلمان جدا و شامل امپراتوری اتحاد شوروی گردید.

جنگ جهانی اول شامل کشورهای متفقین و دول محور بود که رهبری متفقین را فرانسه و از دول محور را آلمان به عهده داشت. قبل از جنگ جهانی اول آلمان بزرگترین قدرت اروپایی بود که قسمت های شرقی آن به تصرف اتحاد شوروی در آمد. این جنگ بالاتر از ۱۰ میلیون انسان را به کام مرگ فروبرد و تعداد معلولین و مصدومین آن بالاتر از این رقم بوده است. در این جنگ آلمان محکوم به شکست گردید و کشورهای شامل جنگ تاوان بزرگی را متحمل گردیدند. این جنگ پایان امپراتوری آلمان، روسیه، عثمانی، اتریش و مجارستان می باشد.

در نتیجهٔ این جنگ کشورهای جدید در اروپا و خاورمیانه به وجود آمد، کشورهای آسیایی، افریقایی و اسلامی در میان کشور های پیرروزمند جنگ تقسیم گردید. استعمار گران به منابع غنی کشورهای خاورمیانه، آسیایی، افریقایی و اسلامی دست یافتند و در پایان این جنگ جامعهٔ ملل تاسیس گردید. این جنگ چنان آسیب های بزرگی را به کشورهای مختلف جهان، از جمله به اروپا به وجود آورد که ترسب این کینه توزی ها، سرانجام جنگ جهانی دوم را رقم زد. حوزهٔ درگیری جنگ جهانی اول، شامل: اروپا، افریقا، خاورمیانه، چین و جزایر اقیانوس آرام بوده است.

جنگ جهانی اول و دوم به هدف تصرف به منابع طبیعی جهان از سوی کشورهای اروپایی و امریکایی طرح و عملی گردیده است، تا اینکه منابع سرشار کشورهای ناتوان و ضعیف مورد چپاول قدرت های جهانی قرار گرفت. اروپا دو جنگ خانمانسوز جهانی را تجربه کرده است. کشورهای اروپایی و امریکایی بعد از ختم جنگ بسیار کوشیدند تا دیگر جنگی در حوزهٔ اروپا و امریکا رخ ندهد، به جز جنگ فاکلند و ایرلند شمالی که در حوزهٔ اروپا رخ داده است.

ختم جنگ جهانی اول سرآغاز مداخلهٔ کشورهای اروپایی و امریکایی به بهانهٔ دفاع از حاکمیت قانون و حقوق بشر در بسیاری از کشورهای خارج از حوزهٔ اروپا و امریکا بوده است. این جنگ ها را می توان در عراق، خاورمیانه و آسیا مشاهده کرد. ختم جنگ جهانی اول و دوم در حقیقت انتقال جنگ از امریکا و اروپا به کشورهای افریقایی، آسیایی و خاورمیانه می باشد. امروز بسیاری از کشورها در این مناطق به نیابت از اروپا و امریکا درگیر نبرد اند؛ زیرا در ضعف و ناتوانی این کشورها، امریکا و اروپا قادر می گردیدند تا در حیات سیاسی و اقتصادی این کشورها مداخله نمایند و مواد خام این کشورها را به ساده گی به دست آرند. در حقیقت جنگ جهانی اول سرآغاز جنگ های خانمانسوز برای کسب حوزهٔ نفوذ کشورهای اروپایی و امریکایی صورت گرفته است. این جنگ و سایر جنگ های مشابه آن به خاطر به دست آوردن منابع ثروت و تقسیم جهان در میان آنها به وجود آمده است. جنگ جهانی اول و دوم از منفور ترین جنگ های جهانی است که تبعات منفی آن در ذهن و افکار بشر تا هنوز پا بر جا است. به هر صورت جنگ جهانی اول بزرگترین عبرت برای جهانیان و کشورهای است که این جنگ را تجربه کرده است. باید کوشید تا جلو جنگ را هر چند کوچک بوده باشد، گرفت؛ زیرا شعلهٔ جنگ حذف تمام باورها برای زنده گی کردن است، باید زنده گی را از تباهی نجات داد.

فتنهٔ خوابیده

□ همنواء

با انکه رسم نیست که سرمقاله ها با نام نویسنده، به نشر برسد، اما روزنامهٔ جامعه باز در شمارهٔ دوشنبه ۱۳ اسد و در رابطه با اتهام معاون دوم رئیس جمهور در امر انتخابات ریاست جمهوری، مطالبی نوشته که تا حدودی به دوران دولت اسلامی تحت رهبری شهید استاد برهان الدین ربانی رئیس دولت و بعد رئیس جمهور آن وقت ارتباط می گیرد.

بدون شک که در آن زمان به تحریک همسایه ها، تعدادی از تنظیم ها با دولت اسلامی در حال جنگ بودند و خاطرات تلخ آن رویداد ها، ذهن و روان مردم درد دیده را تا هنوز آزار می دهد.

اینکه ادعا می شود دولت اسلامی با هزاره ها جنگیده، یک ادعای محض و بی پایه است همه می دانند که دولت اسلامی یک دولت ائتلافی تنظیم های جهادی بود که از همه گروه ها و تنظیم ها بشمول تنظیم های برادران اهل تشییع در آن شریک بودند. نویسندگان و محققان زیادی در مورد حوادث آن دوران مقالات و حتی کتاب ها نوشته اند. "نبرد هزاره ها در کابل" یکی از این آثار است. نویسندهٔ کتاب منبع اصلی فتنه را در میان خود گروه های هزاره یافته، دولت و حتی تنظیم اتحاد اسلامی آن زمان را برائت داده است اما اینکه یک فرد به حیث معاون دوم رئیس جمهور، رهبری سیاسی جامعهٔ هزاره خوانده شده کاملاً از انصاف و قانون اساسی و قانون احزاب سیاسی به دور است.

قانون اساسی و قانون احزاب، هرگز اجازه نمی دهد تا حزب قومی، زبانی یا مذهبی تاسیس گردد و افرادی خود را به این حزب، پیوند بدهند. رئیس جمهور و معاونان آن از اتباع کشور و باید متعلق به هر فرد جامعهٔ ما باشند... نسبت افراد به یک قوم، مخالف اصول قانون اساسی ماست.

همه می دانند که جنگ های دوران دولت اسلامی، عمدتاً متعلق به اقوام نبوده و نباید آن را قومی جلوه داد! در جنگ های که سرمقاله نویس جامعهٔ باز از آن یاد می کند، گروه های متعلق به همان قوم در آن درگیر بوده اند! برخی از افراد همان قوم بر وزارت ها و سفارت ها تکیه زده بودند و برخی در سنگر مبارزهٔ مسلحانه علیه دولت اسلامی قرار داشتند! در دوران مقاومت و در مبارزه علیه تروریزم نیز همه باهم رزمیده اند.

بر همگان روشن است که در دولت اسلامی آزادی های کامل، وجود داشت و حتی افراد عالی رتبهٔ رژیم های کودتایی، دستگیر و محاکمه نشدند. آزادی مطبوعات در آن دوران وجود داشت و مانند مطبوعات سال های جهاد، در شهر کابل و ولایات نیز این آزادی رعایت می شد. آنچه که به نام تصاحب قدرت از هر طریق ممکن خوانده شده، برعکس اشتراک قدرت از هر طریق ممکن بوده است... همه به یاد دارند که رئیس جمهور دولت اسلامی شهید استاد برهان الدین ربانی، بارها مذاکرات صلح را با گروه های محارب سازمان داد و یکبار آقای حکمتیار و بعد شهید استاد فرید از گروه او، به حیث صدراعظم پذیرفته شدند...

آنانیکه به خاطر قدرت جنگیده اند، باید نیک بدانند که نزاع و کشمکش به خاطر قدرت، بهانه های برای درگیری و جنگ بوده است ورنه چگونه امکان دارد که یک زمانی با دولت جنگید و بروز دیگر صدراعظم آن شد؟!

آنچه به نام جنگ اقوام خوانده شده، از دید ما مردود است.

نه افغانیم و نه ترک و تتاریم
چمن زادیم و از یک ساخساریم
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است
کا ما پروردهٔ یک نو بهاریم.

په مشرتابه او انسان سازۍ کې د نبوي سيرت ونډه

اته لسمه برخه

لیکوال: شیخ سالم الصفار
ژباړه: اجرالدین اقبال

خو ځیني غیر دیني ټولني،بې له تړون او نکاح ښځه په بشري قانون، د مدني واده یا،د ښځي او سړي د کوروالي وړاندیز کوي، چې دا کار ډېری سوداګری ته ورته دی؛ نه واده ته او ددې قانون په اړه د شتمنو او سیاسي مقاماتو لاس خلاص دی او چې کله یې په کار وي؛نو د ښځو په ژبه یې تفسیروي؛نو ځکه په دې وروستیو کې یې له هغو ښځو دفاع ته تشکیلات جوړ کړي،چې ظلم پرې شوی وي .

هر څنګه چې وي،د داسې قوانینو طبیعي پایله د کورنیو ،ماشومانو او ټولني تباهي ده.

٤_ عادتونه،دود او رواج

عادتونه؛یعنې تقلیدي چارې یا د تقلید او لاروی پر بنسټ،ټولنیزې چارې سر ته رسول.

"واندت" وایي: ((عادتونه؛د پوهي له مخې هغه کړنې دي،چې په تبریزه ټولنه یا ټوکم کې رامنځ ته کېږي او ورو ورو پراختیا او بدلون مومي.))

"ماک ایور" ګروهمن و،چې عادتونه د ټولني اومه مواد دي او "ګینز برګ" باور درلود،چې عادتونه هغه کړه دي،چې د اجر او سزا لامل ګرځي. وایي:((یومېرمنتوب (monogamy) د ټولنیز بنسټ په پرتله یو عادت دی؛که څه هم نن په لویدیځ کې دا مسئله خانګړی دود دی،چې د پلي کوونکي او سرغړونکي ته یې قوانین په پام کې نیول شوي؛نو ددې نظر له مخې،دودونه د خلکو د منلو او نه منلو تابع دي.)) [وګوری : مبادي علم الا جتماع ، ٥٧مخ] او که اسلامي دودونه له غیر دیني دودونو سره پرتله کړو؛نو پوتې شک به هم پاتې نه شي،چې ټول غیر اسلامي دودونه جاهلي دي؛ځکه دې ټولنو اسماني ارزښتونو ته شا کړې او جاهلیت ته یې مخه کړې. هغوی د "صنعتي" او د فرانسې تر پاڅون وروسته د انسان بې قید و شرط ازادي مطرح کړه،چې د ډېرو ناوړو دودونو لامل شوه،چې یو تر هغوی "مدني واده" و،چې اشاره مو ورته وکړه،چې دا کار یې له اسلام څخه له مخه عربو ته ورته دی؛خو په دومره توپیر،چې نن دا کار د قانون په ملاتړ کېږي.ددې ناوړو دودونو یوه بله بېلګه له پردې سړي سره د مړوښې ښځې اندیوالي ده.

په دې اړه د "سویډن"



پوهنتون یو استاد په خواشینی وایي:

((چې'کله کور ته خم؛نو ښځه مې را ته وایي: لږ وروسته راشه؛ ځکه اندیوال مې په کور کې دی او په خپل راتګ یې مه یې خپه کوه.))

په "ډنمارک" کې،له سړي سره د سړي واده قانوني دی؛خو په "فرانسه" او نورو هېوادو کې قانوني نه دی؛خو قانوني بندیز هم نه لري. په "امریکا" کې جمهوري ریاست ته د نوماندۍ یو شرط د سم او قانوني واده له لارې زوکړه ده .

اسلامي دودونه دیني اړخ لري او مسلمان پوهېږي،چې ازادي یې په هغه ځای کې پای ته رسي، چې د نورو د ازادۍ پیل دی او همدا هراړخیز قانون یې دې ته اړ باسي،چې د نورو د حقوقو خیال وساتي او د خپلو حقوقو له پولو وا نه ړوي او د "امر بالمعروف او نهی عن المنکر" قانون یې کړنې تنظیموي.

اسلامي ټولنه پاکه او روغه ده،چې پکې افراط (زیاتی) او تفریط (کمښت) نه لیدل کېږي.

٥_ دودونه،جشنونه او مذهبي مراسم:

دا اصطلاح ګاني هغه کړنو ته پکارېږي،چې د بنسټونو او عادتونو پر خلاف،د اجر او سزا له امله نه تر سره کېږي؛بلکې هر یو خان ته ښه دي او د کډ ارزښت ښکارندوی دي.

الف _دودونه:

هغو افکارو او کړو وړو ته دودونه وایي ،چې پرې د باوري ذهن ته،د ستر قانون او یا لارې رایادوونکی وي او له یو نسله بل نسل ته لېږدي.

دودونه کله په یوه خانګړي تفکر او ښوونځي پورې د تړاو نښه ده؛لکه د"الماني نازیانو" او یهودانو توکم پالنه،چې داسې دودونه له اسلامه مخکې دودونو ته ورته دي.

حضرت "محمد"(ص) ددې ټولو غلطو دودونو تغر راټول کړ او متمدن او فرهنګي امت یې رامنځ ته کړ،چې په دې اړه ستر فرانسوي عالم "ژان ژاک سیدیو" وایي:

(("محمد"له خپرو عربو امت جوړ کړ؛ستر ملت چې حکومت یې په "اسپانیا" کې د "تاج" له سینده، د "هند" تر "ګنګا" سیند پورې رسېده او هغه مهال، چې "اروپا" د منځنیو پېړیو په ناپوهیو کې ډوبه وه،اسلام په بېلابېلو سیمو کې د تمدن بیرغ رپاوه.)) (١٠٦)

ب_ جشنونه:

د خلکو یو ډول کړه دي،چې د ځینو چارو د معنوي ارزښت د څرګندولو په موخه،په بېلابېلو بڼو تر سره کېږي.غیر الهي ټولني ددې جشنو په سر ته رسولو کې د عرف او الهي شرایعو پر خلاف چارو لاس پورې کوي او که اسلامي ټولني اخلاق او د اسلام سپېڅلي احکام رعایت کړي؛نو له غیر شرعي چارو به خوندي وي.

ج_ مذهبي مراسم:

دا مراسم جشنو ته ورته دي او په هماغه موخه ترسره کېږي؛خو په دومره توپیر،چې دا مراسم په خانګړو وختو؛لکه د مړي د ښخولو او سوځولو پر مهال ترسره کېږي. کېدای شي په "هند" کې د مړیو سوځول له هغه چلنه جاهلیت ته لږ نږدې وي،چې له مړیو سره په ځینو لاییکو هېوادو کې کېږي؛ځکه په دې هېوادو کې مړی وارثانو ته د سوداګریز توکي مثال لري،چې وارثان یې غړي په بیه پلوري.

په دنیا کې هېڅ مذهب او دین د اسلام هومره مړي ته درناوی نه لري؛ځکه مړي ته غسل ورکول،د جنازې لمونځ،په درناوي یې خاورو ته سپارل،د مړي د روح خوشحالی ته په مړي پسې خیرات او د قرآن ختم،ټول د مړي درناوی دی.

ادامه لری

آیا غیرت بهیر از حکمتیار جدا شده است؟

□ **راوی**

چند روز قبل داکتر غیرت بهیر داماد و نمایندهٔ خاص گلبدین حکمتیار در یک پیام تصویری و با آواز خودش اعلام داشت که حزب اسلامی افغانستان به منظور حل مشکل میان دو تیم انتخاباتی، با رهبران این دوتیم در تماس شده و خواهان وساطت شده است تا این بحران به پایان برسد. این خبر در شبکه های اجتماعی نیز انعکاس یافت.

عزم به میانجیگری را آقای بهیر در شرایطی اعلام نمود که سایت شهادت که انعکاس دهندهٔ احلام و خواب های آقای حکمتیار است، بصورت منظم با دادن فحش و دشنام به تیم داکتر عبدالله عبدالله ادامه داده و بصورت علنی نشان می دهد که این گروه بی طرف نیست، شرط بی طرفی در وساطت و میانجیگری اصل عمده و اساسی است درحالیکه آقای حکمتیار مدت هاست که با نام های مستعار و به این گمان که می تواند خود را پشت نام های مستعار پنهان نماید، به دادن فحش و دشنام به تیم اصلاحات و همگرائی ادامه داده است.

بعد از اینکه نماینده گان هر دو تیم انتخاباتی هرگونه تماس با آقای حکمتیار را تکذیب کردند، سایت شهادت مایوسانه نویسندگان یک سایت انترنتی را به این دلیل مورد حمله قرار داده است که گویا این سایت به دروغ خبری به نشر رسانیده که حزب اسلامی آمادهٔ میانجیگیری میان دو تیم است.

از آنجائی که داکتر بهیر خود بقول پاکستانی ها (با نفس نفیس!) و از طریق رسانه ها از این برنامهٔ حزب اسلامی سخن گفته و امکان جعل و تقلب هم در تصویر و آواز وی متصور نیست، تکذیب جناب حکمتیار از میانجیگری و دادن فحش و دشنام به کسانی که این خبر را به نشر رسانیده اند، نشان می دهد که شاید آقای بهیر بدون اطلاع حکمتیار دست به این کار زده است.

از آنجائی که در طول چند سال گذشته تمام اعضای مهم حزب اسلامی و حتی بخش بزرگی از خانوادهٔ حکمتیار به شمول پسر، دختر، داماد، برادر، برادر زاده، نواسه ها... به کابل آمده و تعلقات سیاسی خود را با ایشان قطع کرده اند، و حتی افراد مورد اعتماد ایشان که برای کمک به کمپاین قطب الدین هلال موقتاً به کابل فرستاده شدند نیز بعد از پایان کمپاین حاضر به بازگشت به پیشاور نشدند، اکنون به نظر می رسد که نزدیک ترین فرد به وی یعنی دامادش داکتر بهیر هم راه خود را از حکمتیار جدا کرده باشد و اعلام این خبر توسط بهیر و تکذیب آن بوسیلهٔ حکمتیار نشان می دهد که دیگر چیزی به نام حزب اسلامی در پیشاور باقی نمانده است.

دومین سفر جان کری به کابل...

و از امروز شاهد یک مرحلهٔ جدید از این همکاری ها هستیم. وی تأکید کرد که دیدگاه مشترک دو تیم در اعلامیهٔ مشترک انعکاس یافته است و تیم های مشترک دو دستهٔ انتخاباتی از امروز کار را روی به وجود آوردن حکومت وحدت ملی آغاز کرده اند.

رهبر تیم اصلاحات گفت که پس از تفتیش کامل و تکمیل روند تخنیکی نتیجهٔ آرا هرچه باشد مشروعیت انتخابات را تضمین می کند.

داکتر اشرف غنی با تأیید از سخنان داکتر عبدالله تأکید کرد که هر دو تیم مشترکاً زمینهٔ اصلاحات را فراهم می کند. داکتر غنی افزود هر دو تیم مصمم هستند روی جزئیات حکومت وحدت ملی کار را از امرزو شروع کنند. وی گفت: شرایط فعلی افغانستان ایجاب می کند تا از تجارب تلخ عراق و سوریه درس عبرت بگیریم.

در این نشست خبری جان کری گفت: جدی ترین روند بازرسی آرا در دنیا در افغانستان صورت می گیرد. وی افزود، بن بست انتخاباتی بالای زندگی مردم اثر منفی گذاشته است. وی به تجارت عراق و کشمکش های آن کشور اشاره کرد و به هر دو نامزد ریاست جمهوری وانمود کرد که اگر هر به نتیجه نرسند، ممکن حالت عراق در افغانستان تکرار شود.

وی تأکید کرد: توافق هر دو طرف ایجاد نظام پارلمانی را نمی کند و در نقش رئیس جمهور کدام تغییر وارد نمی کند. به قول کری جزئیات توافق نامه راه را برای آیندهٔ افغانستان روشن می سازد و نقش هر دو کاندید برای آیندهٔ افغانستان در این توافق نامه مهم دانسته شده است. کری تصریح کرد ما انتظار داریم تا رئیس جمهور نو در نشست های آینده برای همکاری های مشترک حضور داشته باشد!

انتخابات دور دوم ریاست جمهوری

دیدگاه ها، حکمیت ها، تنش ها، افشای اسناد، تعویق و آغاز شمارش آراء

مصباح شعیب

رد تشکیل حکومت مشترک و اختیار کردن موقف اپوزیسیون

احمد ضیاء مسعود، در نشستی تحت نام نقش زنان در نظام سیاسی آینده در کابل بتاریخ ۳ اسد، تشکیل حکومت ایتلافی را رد کرده گفته است: "اگر خدا ناخواسته در انتخابات برنده نشویم ما هیچگاهی از تیم اصلاحات و همگرایی تقاضا نمی کنیم که با ما یک حکومت ایتلافی یا مشترک را بسازد و هم چنان از این تیم نمی خواهیم که پست ریاست اجرائیویی را به تیم تحول و تداوم بدهد ما می رویم بسوی جامعۀ مدنی و موقف اپوزسیون را تشکیل می دهیم" . آقای مسعود گفت که آنان از تیم اصلاحات و همگرایی نیز توقع دارند که اگر در انتخابات برنده نشدند چنین موقف را اختیار کنند.

اما فیض‌الله ذکی سخنگوی ستاد داکتر اشرف غنی احمدزی به بی‌بی‌سی گفته است که این اظهارات، "نظر شخصی" آقای مسعود است. او افزود: "ما به حکومت وحدت ملی متعهد هستیم" .

اوباما: مفاد توافق حاصل شده را علناً اعلام و گفتگوها را روی جزئیات ادامه دهند

بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحدۀ امریکا، روز جمعه بتاریخ ۳ اسد در گفتگوی تلفنی خود با آقایان داکتر احمدزی و داکتر عبدالله، به علت توافق شان بر سر پذیرش نتایج بررسی آرای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری تشکر کرده گفته است، جان کری وزیر خارجۀ آمریکا، روند بررسی صندوق‌ها را در ارتباطی نزدیک با دو کاندیدا و حامد کرزی، ریاست جمهوری افغانستان دنبال خواهد کرد.

در این تماس تلفنی، آقای اوباما از هردو نامزد خواسته است همزمان با پیشرفت روند بررسی آراء، مفاد توافق حاصل شده میان خودشان را علناً اعلام کنند و به همکاری و گفتگوها در زمینه جزئیات آن ادامه دهند تا از این طریق مردم افغانستان نسبت به روند سیاسی و اجرایی بررسی نتایج انتخابات اطمینان حاصل کنند.

توقف شمارش آراء برای سومین بار

نورستانی رئیس کمیسیون انتخابات بعد از ظهر شنبه ۴ سرطان در یک نشست خبری گفته است، به نفع کمیسیون نیست که ناظران دو ستاد آقایان عبدالله و احمدزی به دلیل اختلاف های جزئی از روند بررسی آراء خارج و باعث توقف این روند شوند. تا زمانی برسر معیارها به توافق نهایی برسند ما تا پایان روزهای عید روند بررسی آرا را متوقف می‌کنیم. تا آن زمان ناظرین بین‌المللی بیشتر به کابل وارد شوند، نامزدها نیز به توافقاتی دست یابند و کمیسیون نیز در آن صورت تعداد تیم‌های بررسی کننده را افزایش خواهد داد تا روند سرعت بگیرد.

فیض الله ذکی، سخنگوی ستاد تیم تحول و تداوم دربارۀ توقف بررسی مجدد آراء گفته که آنان باعث توقف این روند نشده بلکه، ناظران تیم اصلاحات و همگرایی بوده که باعث این کار شده اند.

اما فضل الرحمن اوریا سخنگوی ستاد اصلاحات و همگرایی تیم تحول و تداوم را متهم می‌کند که باعث توقف روند بررسی آراء شده است. او با تایید اینکه روند بررسی آراء ساعت ۱۱ قبل از ظهر ۴ سرطان متوقف شده، گفت که دلایل این توقف مسایل ذیل بوده و در قدم اول تیم تحول و تداوم مادۀ ۱۲ چک لیست تهیه شده توسط یوناما را نمی‌پذیرد و علاوه بر آن مادۀ ۱۶ این چک لیست را نیز قبول ندارد. آقای اوریا انتقال تعداد از کارمندان ولایتی کمیسیون انتخابات را به کابل و به کار گماشتن آنان در روند بررسی آراء را از چالش‌های دیگر می‌داند و می‌گوید که تیم اصلاحات در صدد محاکمه این افراد هستند و به کارگیری آنها در روند بررسی آراء قابل قبول نیست.

جان کری درمورد ابهامات توافق دو نامزد، وضاحت داد

جان کری وزیر امور خارجۀ آمریکا در یادداشتی که سفارت آمریکا - بتاریخ ۸ اسد سال جاری - برای رسانه ها فرستاده، در مورد ابهامات به وجود آمده در توافق چند هفته پیش خود با دو نامزد ریاست جمهوری افغانستان توضیح داده است. وزیر خارجه آمریکا نوشته است که سند مورد توافق شامل تاسیس یک نظام پارلمانی نیست، بلکه یک سمت جدید با عنوان رئیس اجرایی ایجاد می‌کند که زیر نظر رئیس جمهور فعالیت خواهد داشت. سپس رئیس‌جمهوری لویه جرگه ای تشکیل می دهد که تصمیم خواهد گرفت آیا تغییر دایمی نظام سیاسی به نفع کشور خواهد بود یا نه. او خطاب به دو نامزد ریاست جمهوری افغانستان گفته است که زمان سیاست پایان یافته و زمان همکاری فرا رسیده است، آقای کری گفته است که بخش مهمی از روند دمکراتیک افغانستان عملکرد دو نامزد و تیم‌های آنهاست.

جان کری در یادداشت خود نوشته، این به عهدۀ خارجی ها نیست که در بارۀ چارچوب سیاسی توضیح بدهند که دو نامزد چند روز پیش آن را پذیرفتند. آقای کری می گوید: این سند قانون اساسی افغانستان را نقض نمی‌کند و به نهادهای افغانستان و نقش رئیس جمهوری به عنوان رئیس دولت احترام می‌گذارد.

وزیر خارجۀ آمریکا همچنین گفته است که بررسی آرا یک بخشی از چالش فرا راه دمکراسی در افغانستان است. دمکراسی یک شبه حاصل نمی شود و هر یک رای را باید حساب و احترام کرد. آقای کری گفته است که روند بررسی آرا که بسیار آهسته بود، بعد از عید فطر سریع خواهد شد. گزارش های تایید ناشده وجود دارد که آقای کری دوباره برای پیشبرد موافقت دو هفته قبل، به کابل سفر خواهد کرد.

روز شنبه ۱۱ اسد شمارش مجدد آراء مطابق طرزالعمل جدید و تردید تیم اصلاحات و همگرایی

کمیسیون انتخابات گفت است که لایحۀ جدید ابطال آراء تصویب شده است. بتاریخ ۹ اسد کمیسیون انتخابات در یک نشست مشترک خبری با نمایندۀ خاص سرمنشی سازمان ملل متحد تأکید براین شد که روز شنبه ۱۱ اسد شمارش آراء مطابق طرزالعمل جدید و سریعتر آغاز می شود که هر دو تیم انتخاباتی آنرا پذیرفته اند. نورستانی ابراز امیدواری کرد تا کاندیدان ریاست جمهوری جهت تطبیق طرزالعمل جدید به تعهدات شان پایند باشند و در عملی کردن آن کمیسیون انتخابات را همکاری کنند تا این روند موفقانه تکمیل شود.

کرزی: تأخیر به هیچ صورت قابل قبول نیست

حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان گفته است که تاخیر بیشتر در اعلام نتایج انتخابات به هیچ صورت قابل قبول نخواهد بود. ایمل فیضی، سخنگوی رئیس جمهور افغانستان بتاریخ ۱۰ اسد به بی‌بی‌سی فارسی گفته است: رئیس جمهور افغانستان در جریان ملاقات های خود با نمایندگان اتحادیۀ اروپا، ملل متحد و مقام های آمریکایی یک پیام داشت، نتایج انتخابات باید در ماه اوت (آگوست) نهایی شود تا باشد که مراسم تحلیف رئیس جمهور جدید قبل از پایان این ماه صورت بگیرد. وی به نقل از رئیس جمهور گفته است که تاخیر در اعلام نتایج انتخابات تاثیر منفی بر روال کاری حکومت داشته و در عین حال ابهام و بدگمانی را در مورد آیندۀ افغانستان ایجاد کرده است. فیضی گفته است که ادامۀ بلاتکلیفی در مورد سرنوشت انتخابات افغانستان بسیار خطرناک خواهد بود.

بازهم تعویق؛ روز شنبه، ناظران تیم اصلاحات و همگرایی در شمارش آراء شرکت نکردند

ستاد انتخاباتی تیم اصلاحات و همگرایی گفته است، هدف از تاخیر به هیچ صورت مقاطعه یا برهم زدن روند نیست. ما به این باورهستیم که در قالب بسته پیشنهادی سازمان ملل نمی شود به صورت کامل به تقلب گسترده و سازمان یافته رسیدگی صورت گیرد. به این اساس خواهان افزایش معیارهای رسیدگی به تقلب هستیم و در راستا پنج اصل را به سازمان ملل پیشنهاد نموده ایم.

بنا به تقاضای یان کوبیش فرستادۀ خاص سرمنشی سازمان ملل متحد تفتیش آرا ۲۴ ساعت دیگر به تعویق افتاد. یان کوبیش که در کمیسیون انتخابات در یک نشست مشترک خبری صحبت می کرد گفت که پس از رایزنی امروز (۱۱ اسد) با نامزدان، آرزو دارد فردا (۱۲ اسد) روند تفتیش آرا مجدداً آغاز گردد. نورستانی رییس کمیسیون انتخابات در این نشست خبری که این تعویق را آخرین بار خواند، گفت:"بررسی تفتیش صد در صدی آرای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری فردا با حضور ناظران ملی و بین المللی در دو نوبت از ساعت هفت صبح آغاز والی هشت شام ادامه خواهد داشت".

طرزالعمل ابطال آراء پُر از نواقص است

عبدالستار مراد عضو ستاد انتخاباتی اصلاحات و همگرایی طرزالعمل ابطال آرا را پر از نواقص می داند و بتاریخ ۱۱ اسد به تلویزیون نور گفته است که موارد پشنهادی در طرزالعمل سازمان ملل برای افشای تقلب های وسیع موثر واقع نخواهد شد. به گفته آقای مراد این طرزالعمل تنها برای شناسایی شمار کمی از آرای ناپاک، موثر خواهد بود نه برای همه ی آرای تقلبی. آقای مردا تاکید می کند که برای نمایان کردن تقلب کار اساسی صورت نگیرد، روند تفتیش آرا را نخواهند پذیرفت.

این عضو ستاد انتخاباتی اصلاحات و همگرایی می گوید: "دست اندازی های هنوز در کمیسیون انتخابات وجود دارد که روند تفتیش را به چالش کشانیده است". آقای مراد به این باور است که تیم اصلاحات و همگرایی می خواهد که کمیسیون انتخابات نقش اساسی در مدیریت فرایند تفتیش نداشته باشد.

نیم روز شمارش آراء، بدون حضور تیم اصلاحات و همگرایی

کمیسیون انتخابات بدون حضور تیم اصلاحات و همگرایی فرایند تفتیش آرا را پس از چاشت روز یکشنبه (۱۲ اسد) آغاز کرد. مسوولان کمیسیون انتخابات گفتند که این فرایند را بدون حضور تیم اصلاحات و همگرایی به پیش می برند و نامزدان ریاست جمهوری مکلف اند که نتیجۀ تفتیش آرا را بپذیرند. تأکید مسوولان کمیسیون این است که فرایند تفتیش دیگر متوقف نمی شود.

فرایند تفتیش آرا به سبب نبود یک طرزالعمل جامع برای ابطال آرا پنج بار متوقف شد و کمیسیون انتخابات فرایند تفتیش آرا را بدون حضور ناظران تیم اصلاحات و همگرایی به رهبری داکترعبدالله عبدالله از سر گرفت. احمد یوسف نورستانی کمیسیون تاکید دارد که فرایند تفتیش آرا دیگر متوقف نمی شود.

به سلسلۀ افشای اسناد مربوط به تقلب های انتخاباتی و دست داشتن سران حکومت به نفع یک نامزد؛ اینبار معاون دوم رئیس جمهور متهم شد!

ستاد انتخاباتی اصلاحات و همگرایی روز یکشنبه ۱۲ اسد نوار صوتی را افشا کرد که در آن محمد کریم خلیلی معاون دوم ریاست جمهوری خواهان تقلب شده است. در این نوار صوتی شنیده می شود آقای خلیلی به هوادارنش وعده می دهد که پیروزی تیم اشرف غنی احمدزی در انتخابات قطعی است و باید برای در آن شک و تردید وجود نداشته باشد. معاون دوم ریاست جمهوری که در نشست سری با جمعی از حامیانش می گوید که به منظور برنده شدن تیم تحول و تداوم رئیس جمهوری کشور و جامعۀ جهانی دیدگاه موافق دارند تا این تیم را به پیروزی برسانند.

در نوار صوتی شنیده می شود که آقای خلیلی در یک نشست سری و خودمانی به هوادارنش به پیروزی تیم اشرف غنی احمد زی وعده می دهد و می گوید که نسبت به پیروزی این تیم تردید وجود ندارد. او به هوادارانش می گوید که برای برنده شدن این تیم جامعۀ جهانی، رئیس جمهور کرزی و کمیسیون های انتخاباتی دیدگاه موافق دارند تا به هر نحوی که باشد این تیم را پیروزی میدان بگردانند.

معاون دوم رئیس جمهور کرزی در جمع هوادارنش می گوید که او در جریان است که تلاش هایی در داخل حکومت و کمیسیون های انتخاباتی به سود اشرف غنی احمدزی صورت گرفته است. به باور کریم خلیلی جامعۀ بین المللی وعده سپرده است که با استفاده از هر ابزار و وسایل و بدون در نظر داشتن هر گونه قوانین، جهت پیروزی تیم تحول و تداوم کار خواهند کرد. آقای خلیلی نیز به منظور سرپوش گذاشتن به گفته هایش از هواداران خود می خواهد که آنچه در این نشست خودمانی گفته شد را بیرون نکشند.

با این حال، مسوولان ستاد اصلاحات و همگرایی می گویند که در درست بودن سندهای افشا هیچ گونه شکی وجود ندارد و مراجعی برای ثابت کردن آن وجود دارد؛ اما حکومت نمی خواهد که به این سندهای رسیدگی صورت گیرد.

موافقت تیم اصلاحات و همگرایی و پیوستن به روند تفتیش آراء

دفتر سازمان ملل در کابل به رسانه ها گفت، پس از یک سلسله مذاکرات با ستاد انتخاباتی عبدالله عبدالله، آنها با پیوستن به روند تفتیش و بازشماری آرا موافقت کردند. نیلاب مبارز سخنگوی دفتر یونما گفته است، روی پنج مورد اختلافی بشمول مادۀ دوازده و شانزده که از قبل روی آن توافق صورت گرفته بود با تیم انتخاباتی عبدالله عبدالله توافق صورت گرفت. روند تفتیش آرا ادامه خواهد یافت اما ابطال آرا بعد از تکمیل آمادگی های تخنیکی آغاز خواهد شد.

مجیب الرحمن رحیمی سخنگوی تیم اصلاحات و همگرایی نیز گفته است که امروز (۱۳ اسد) به پروسۀ تفتیش آراء می پیوندند.

سومین دیدار دو نامزد ریاست جمهوری

داکتر عبدالله عبدالله و داکتر اشرف غنی احمد زی، رهبران دوتیم انتخاباتی روز سه شنبه ۱۴ اسد برای سومین بار باهم دیدار کردند. گفته می شود در این دیدار روی مسائل انتخابات، تأمین شفافیت و ضرورت تبادل نظر و رأی زنی بیشتر دو کاندید با یکدیگر بحث وگفت وگو گردیده و روی توافقات صورت گرفته تاکید شده است.

داکتر عبدالله عبدالله در این گفت وگو برضرورت تفتیش و بازرسی دقیق آراء و تفکیک تقلبات انتخاباتی تاکید نموده گفته است که برای وی هیچ چیزی به اندازۀ تأمین شفافیت انتخابات و احترام به آرای پاک مردم افغانستان با اهمیت نیست و برای نیل به این هدف نهایت تلاش و کوشش می کند.

درگیری میان ناظران در کمیسیون انتخابات

فرایند تفتیش آرا روز چهارشنبه ۱۵ اسد با درگیری همراه بود؛ این درگیری در نتیجه اختلاف ناظران دوتیم انتخاباتی بر سر یک صندوق رای دهی آغاز شد. به گفته مسوولان در این صندوق رای دهی، برگه های رای دهی وجود نداشت؛ اما به نفع اشرف غنی احمدزی به ثبت رسیده بود. زمانی که ناظران تیم اصلاحات و همگرایی می خواستند که این صندوق از فرایند تفتیش بیرون شود، با واکنش فیزیکی ناظران اشرف غنی احمدزی مواجه شدند. این درگیر سبب شد تا فرایند تفتیش حدود نیم ساعت متوقف شود.

بازهم جان کری به کابل آمد

جان کری شام روز چهارشنبه ۱۶ اسد به کابل آمد و بعد از رسیدن به کابل در سفارت امریکا با اشرف غنی احمدزی و داکتر عبدالله عبدالله طور جداگانه صحبت کرد. برای حل معضل دور دوم انتخابات، در اواسط ماه جولای وزیر خارجه امریکا جان کری به کابل سفر کرده بود و با دو کاندید با میانجیگری وی موافقه نمودند که تمام آرای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان از نو تفتیش شود. جاری کری در سفر قبلی اش و در دیدار با دو نامزد، بر تشکیل حکومت وحدت ملی پا فشاری کرده بود.

سخنگوی وزارت خارجه امریکا جین ساکی طی اعلامیۀ گفته است که جان کری در جریان سفر به کابل دو کاندید ریاست جمهوری افغانستان را تشویق خواهد کرد موافقتی را که در ماه جولای ترتیب شده عملی کنند و یک چوکات سیاسی را تشکیل بدهند.

متن اعلامیهٔ مشترک...

تعریف برنامه واحد ملی برای اصلاحات و تشکیل حکومت وحدت ملی را اولویت های عمدهٔ خود می دانیم.

۳- طرفین همانگونه که در بعد تخنیکی براساس معیارهای پیشنهادی ملل متحد برای تفتیش، بازشماری و ابطال، با تشکیل تیم ها عملاً روند تفتیش را بمنظور تامین شفافیت و اعتبار بخشی به پروسه از طریق کار متداوم در جریان پروسه تفتیش و پذیرش نتایج آن شروع کرده اند، تصریح می نمایند که در بعد سیاسی هم متعهد به همکاری صادقانه میباشند. بدین منظور طرفین کمیسیونی مشترک از اعضای دو تیم را موظف میسازند تا جدول زمانی تکمیل روند انتخابات را نهایی سازند، روی تاریخ تحلیف رئیس جمهور جدید توافق می نمایند، با هدف اینکه این امر تا هفته دوم ماه سنبله سال ۱۳۹۳ صورت می پذیرد، و متن موافقتنامه تفصیلی سیاسی را در پرتو قانون اساسی و چهارچوب توافق سیاسی مورخ ۲۱ سرطان ۱۳۹۳ (۱۲ جولای ۲۰۱۴) آماده می سازند.

ومن الله التوفیق

داکتر محمد اشرف غنی احمدزی
داکتر عبدالله عبدالله

....

ضمیه اعلامیه مشترک

چهارچوب سیاسی که بتاریخ ۲۱ سرطان ۱۳۹۳ (۱۲ جولای ۲۰۱۴) مورد توافق هر دو تیم قرار گرفته است

قسمت دوم: چارچوب سیاسی

به تعقیب نتائج تفتیش با اعتبار و همه جانبه انتخابات که در قسمت اول تشریح شده است، کاندیدان تعهد مینمایند که یک موافقتنامه سیاسی را عملی نمایند که بر اساس آن برنده انتخابات به صفت رییس جمهور آغاز به کار نموده و بزودی حکومت وحدت ملی را ایجاد مینمایند که دارای مشخصات ذیل باشد:

۱- بمنظور توانمند ساختن مردم افغانستان و برای پاسخگویی به نیاز های تأمین صلح، ثبات، امنیت، حاکمیت قانون، عدالت، رشد اقتصادی، و عرضه خدمات، حکومت وحدت ملی برنامه همه جانبه اصلاحات را انکشاف داده و تطبیق می کند.

۲- رییس جمهور با برگزاری لویه جرگه روند تعدیل قانون اساسی را آغاز نموده و مقام صدراعظم اجرایی را ظرف دو سال ایجاد می نماید.

۳- تا زمانیکه مقام صدراعظم اجرایی بر مبنای قانون اساسی ایجاد گردد، وظایف صدراعظم اجرایی را رئیس اجرائیوی حکومت پیش خواهد برد. این مقام بلافاصله توسط فرمان رییس جمهور ایجاد شده و توسط شخصی که از طرف کاندید دومی انتخابات معرفی و از جانب رییس جمهورتایید گردیده باشد، اشغال میگردد.

۴- رییس جمهور مقام رهبر اپوزیسیون را ایجاد میکند. و کاندید دومی انتخابات شخص مورد نظرش را انتخاب مینماید تا این مقام را اشغال نماید.

۵- تعیینات در مقام های کلیدی امنیت ملی، نهادهای مستقل و اقتصادی حکومت، با در نظرداشت اصل ایجاد تساوی و برابری بین انتخاب رییس جمهور و رهبر اپوزیسیون صورت میگیرد. مقامات وزارت ها، قضا، مقرری های کلیدی به سطح ولایات، با در نظر داشت اصل نمایندگی عادلانه، توسط رییس جمهور به مشوره رهبر اپوزیسیون صورت میگیرد.

۶-رییس جمهور تعهد میکند که تداوم در رهبری مقامهای کلیدی ارگانهای امنیت ملی را برای حداقل ۹۰ روز حفظ میکند.

۷- حکومت وحدت ملی تعهد میکند که در خلال یک سال اصلاحات بنیادی در نظام انتخاباتی را به هدف بهبود نا رسایی های انتخابات گذشته اتخاذ می نماید که توسط یک روند فراگیر وهمه شمول تهیه شده باشد.

د کابل په دفاعي پوهنتون کې د امریکایي جنرال وژنه

لاملونه او اندیښنې

□ رفیق بحر

د زمري په څوارلسمه (د تېرې سه شنبې په ورځ) د قرغې په سیمه کې د پراته دفاعي پوهنتون دننه، د ملي اردو د یو تن لخوا یو لوړ رتبه امریکایي جنرال ووژل شو او د دوه وو الماني او افغاني جنرالانو په ګډون پنځلس کسه نور ټپیان کړاي شول.

دغه امریکایي برید جنرال چې ((هارلګ ګریني)) نومېږي، د ۲۰۱۱ میلادي کال راهیسې لومړنی لوړ رتبه امریکایي جنرال دی چې د یو افغان عسکر لخوا وژل کیږي او له مخې یې د ویتنام له جګړې راهیسې د خپلې نوعې لومړنی پېښه ده.

په امریکایي جنرال ډزې کوونکی د ملي اردو دغه عسکر چې رفیق الله نومیده او د پکتیا ولایت اوسیدونکی وو، دری کلونه وړاندې د ملي اردو په لیکو کې جذب شوی وو او د جلب او جذب له ټولو اتو پړاوونو څخه تېر شوی وو چې د خدمت په موده یې درې کلونه هم تېر شوي وو او امریکایي برید جنرال ګریني چې څلور پنځوس کلونه عمر یې لرلو، دېرش کلونه د امریکا په پوځ کې خدمت ترسره کړی او د نوموړي ټوله کورنۍ (د مانديني او ځوي په ګډون) د امریکا په پوځ کې ده.

دا چې څنګه دغه پېښه رامینځته کیږي؛ چې د ملي اردو یونیفورم په تن افغان یو بهرني جنرال وژني او پنځلس نور ټپیان کوي؟ د نوعیت له مخې د مکث وړ پېښه ده؛ ځکه له یوې خوا په دفاعي پوهنتون او بیا تربیتي مرکز کې دا پېښه ترسره کیږي، چې پداسې مراکزو او ادارو کې د دا ډول پېښو تصور کم کیږي. که څه هم په ولایاتو او نورو قطعاتو کې دا ډول پېښې څو ځلې ترسره شوي دي؛ لکه د پکتیا، هلمند او کندهار ولایتونو کې او نهه میاشتې د مخه د هرات د اوبې ولسوالۍ په دریمه قطعه کې چې یو تن یو ځل خپل د کوټي شپږ تنه ملګری وویشتل چې درې ټپیان یې بیا روغ هم شو او د خلیل الله په نوم یو بریدمن بیا دغه تښتیدلی قاتل په یو کور کې محاصره کړ او له مینځه یې یووړ او همدې ته ورته پیښه د کنړ په وټه پور نومې ولسوالۍ کې هم ترسره شوې وه چې نږدې یوویشت کسه عسکر په وټپور ولسوالي ویشتل شوي وو او تر مخه یې راپور هم موجود وو او داسې نورې ډېرې پیښې ترسره شوي چې د دولت مخالفینو سره اړیکو لرونکو د ملي اردو غړو یا پولیسو په خپلو قطعاتو او غونډونو کې خپل ملګري محاصره کړي او وژلي او یا یې مسموم کړيدي او ورڅخه تللی دي. خو دا پېښه د خپل نوعیت ځانګړې پېښه ده.

مګر دا چې لامل او انګیزه به یې څه وي؟ ښايي د پلټنو وروسته معلومه شي خو د افغانستان امنیتي ارګانونو لپاره پخپل ذات کې ګواښ دی؛ ځکه له یوې خوا ښايي د امریکې او ناټو سره د افغان امنیتي ارګانونو په هکله بې باورۍ زیاتې کړي او د شین او آبي تر مینځه د بې باوریو په رامینځته کېدو سره ښايي امریکائیان نور هم د افغان پوځ په مجهز کولو او په ځانګړې توګه ورته د غټو او ثقیلو وسلو په ورکولو کې له تال متول څخه کار واخلي او له دې ویرې چې افغان پوځ یې پر دوی استعمال نکړي، ښايي د توپونو او ټانکونو په شمول درنې وسلې او جنګي الوتکې او هم لېږې واټن ویشتونکي توغندي ورنکړي، هغه څه چې افغان پوځ ورته اړتیا لري. مګر د بدګمانیو مخه نیول ناشوني دي؛ ځکه افغانستان په یوه داسې استخباراتي او نیابتي جګړه کې ښکیل هیواد دی چې دولت او دښمن پکې پیژندل ډېر سخت کار دی.

پاکستان و امنیت ملی ما

□ عنایت

مقولهٔ امنیت ملی مفهوم گسترده در ابعاد وسیع دارد. اما آنچه مردم عام از امنیت ملی می دانند، عبارت از داشتن جای عاری از جنگ، خاموشی صداهایی تفنگ و توپخانه و برقراری صلح و ثبات و رفاه برای همه می باشد. چیزی که متاسفانه با وصف تلاش‌های گسترده و تعبیهٔ هزینه های کلان مالی، رویاهایی مردم این سرزمین برای تأمین امنیت به مفهوم عام آن متحقق نشده است. هر روز می بینیم که شعله های جنگ و ویرانی بیشتر می‌شود و در هرگوشه و کنار این سرزمین خون انسان ها ریخته می‌شود.

در این شکی نیست که در پشت این همه نا امنی ها و ویرانگری‌ها رد پای کشور پاکستان دیده می‌شود. کشوری که در همسایه‌گی با طولانی ترین مرز مشترک با ما قراردارد. با وجودی مراوادت‌ها و مشارکت های فرهنگی، دینی و تاریخی این کشور به قول معروف از "سرما دستبردار نیست". سال‌هاست که عمق منافع بر همه چیز سایه افگنده و این کشور حد اقل از دههٔ هفتاد میلادی بدین‌سو کمر بسته، تا منافع ملی خود را در زیر آوارها و توده های خاکستر این مرزوبوم جستجو کند.

دیگر جای سوال نزد کسی باقی نمانده، مردم افغانستان و وجدان‌های بیدار دنیا می دانند که عاملان این همه فته انگیزی و ویرانگری ها، کشتارها درکشورما، کی ها هستند؟ البته باید اذعان کرد، تنها پاکستان و نهادهای استخباراتی این کشور نیستند که برای نابودی و برهم زدن امنیت در افغانستان کمر بسته اند، بلکه مزدوران و ایادی داخلی به نام طالب که به نیابت ارتش پاکستان و دیگر سازمان‌های مخوف منطقه و جهان سلاح گرفته اند، نیز هستند که سال هاست آتش جنگ را برافروخته نگه داشته اند. پیامد این ویرانگری‌ها در نهایت تخریب کشور در ابعاد مختلف آن می باشد. این روزها که مصادف است به کش و قوس‌هایی انتخاباتی، موارد برهم زدن امنیت در سراسر کشور افزایش یافته است. از هلمند تا جلال آباد، غور و بدخشان رخدادهای خونینی را می بینیم که جان صدها هموطن ما را همه روزه می گیرد. دیگر هیچ جای برای زندگی مصؤون نیست. حتی حریم شخصی و خانوادگی رئیس جمهور کرزی نیز آسیب پذیر شده است. در این آواخر آمار تلفات طرف‌های جنگ نیز بلند رفته است. دشمنان هر روز توطیه می ریزند و در تازه ترین موارد دولت افغانستان گفته است که نظامیان و مشاوران پاکستانی در صفوف طالبان افزایش یافته است. درحالیکه حضور نظامیان پاکستانی در صفوف مزدوران داخلی چیزی تازهٔ نیست.

این موضوع در جلسهٔ شورای امنیت ملی مطرح شد و اعلام کرد که حضور نظامیان و مشاورین نظامی پاکستانی درکنار تروریستان طالب بیشتر شده است. در عین‌حال ارگ ریاست جمهوری تأکید کرده که پاکستان طی چند روز اخیر حملات توپخانه‌یی را بالای ولسوالی های دانگام و شیگل ولایت کنر نیز افزایش داده است. از سوی هم حکومت افغانستان تصریح کرده است که حملات توپخانه‌یی پاکستان تجاوز آشکار به حریم افغانستان است و در صورت تکرار این موضوع بی پاسخ نخواهد ماند.

مقامات نظامی و امنیتی کشور باور دارند که حملهٔ اخیر گروه طالبان به ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار در شرق نیز در همکاری نزدیک به هزار جنگجو که در آن شرکت داشتند، به حمایت مشاورین پاکستانی طراحی شده است. این بارنخست نیست که دولت افغانستان پاکستان را به حمایت از تروریست های معلوم الحال متهم می کند. ادعاهای دولت مبنی بر حمایت نظامیان پاکستان از گروه های شورشی همیشه بر روابط دو کشور سایه افکنده است. افزون بر این دولت افغانستان بارها مدعی شده که ارتش پاکستان به مناطقی در شرق موشک پرتاب می کند.

اما دولت پاکستان همواره اعلام کرده که ارتش این کشور در مناطق مرزی افغانستان با پاکستان، درگیر نبرد با شورشیان است و ممکن است و هدف آنها مواضع شورشیان در مناطق مرزی است نه حمله به خاک افغانستان. سرتاج عزیر مشاور امنیت ملی پاکستان چند روز پیش تهدیدکرد، در صورتی‌که مقامات افغانستان مانعی ورود جنگ جویان به داخل پاکستان نشود، این کشور حاضر است دست به حملات نظامی در داخل خاک افغانستان بزند.

تنش های مرزی طی سه دهٔ اخیر میان افغانستان و پاکستان ادامه دارد. در نهایت پاکستان با وصف تمام بی شرمی هایی‌که در حمایت از شورشیان دارد حاضر نشده است، تا بگوید از آن ها حمایت می کند. این کشور گروه طالبان را در دههٔ هفتاد حمایت نمود و منجر به سقوط حکومت مجاهدین درکابل گردید. گروه های تحت حمایهٔ پاکستان که در واقع با نیابت از این کشور در افغانستان می جنگند، عاملان اصلی خونریزی و ویرانگری در کشور هستند. این کشور به هیچ قیمت حاضر نیست دست از مداخله در امور افغانستان بردارد. نفوذ پاکستان در حلقه های تصمیم گیری چنان است که قدرت تصمیم گیری را از دولت ما حد اقل درچند سال اخیر گرفته است. خیلی ها در داخل ارگ هستند که به دستور اسلام آباد برای رئیس جمهور کرزی مشوره می دهند و این کشور را تهدیدی برای امنیت ملی نمی دانند. خطر واژه های دانشکده و دانشگاه را به مراتب بزرگتر از بمب اتم پاکستان، مدارس تروریست پرور و استخبارات مخوف و جهنمی آن کشور می دانند!

راه چاره چیست؟ وحدت ملی، تشکیل حکومت مردمی، ایجاد توازن قوا از طریق تقویت نهادهای امنیتی، مقابلهٔ بالمثل و رهایی از وابستگی های قومی و اقتصادی، قاطعیت افکار حلقات تصمیم گیری به سطح منطقه و جهان در روابط خارجی، نسبت به پاکستان، می تواند مداخلهٔ این کشور را در امور افغانستان مهار سازد.

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ فیض

۱۷اسد:

• به قول رسانه ها، حشمت خلیل کرزی پسر کاکای حامد کرزی رئیس جمهور به شهادت رسید. سخنگوی پولیس قندهار گفته است، یک بمبگذار انتحاری هنگام ورود شماری از سران قومی به خانهٔ آقای کرزی در قندهار، وارد خانهٔ او شد و مواد منفجره ای را که در دستارش پنهان کرده بود، منفجر کرد. به گفتهٔ وی، بمبگذار فردی حدود شانزده ساله بود و هنگام دست دادن با حشمت خلیل کرزی، این مواد را منفجر کرده است.

۱۸اسد:

• از اثر انفجار ماین در شهر ترینکوت، مرکز ولایت ارزگان سیزده غیر نظامی زخم برداشتند. مواد منفجره در یک کراچی آیسکریم فروشی جاسازی شده بود. مسوولان محلی این ولایت می گویند که این انفجار حوالی ساعت ده پیش از چاشت امروز زمانی روی داد که کودکان برای خریداری آیسکریم در اطراف این کراچی جمع شده بودند. محمد اسلم، آمر امنیت فرماندهی پولیس ولایت ارزگان گفته است که بیشتر زخمی های این رویداد کودکان هستند.

۱۰اسد:

• شاروال ولسوالی محمد آغهٔ ولایت لوگر که عضو جمعیت اسلامی بود، در منزل اش از سوی افراد مسلح کشته شد. دین محمد درویش سخنگوی والی لوگر می گوید، افراد مسلح ناوقت دیشب وارد منزل سیف الله شاروال محمد آغه شدند و بعد از یک درگیری یک ساعته با شاروال و محافظین اش او را کشتند. دراین حادثه به کسی دیگر آسیب نرسیده است و حمله کننده گان از محل فرار کردند.

• بر اساس گزارش سازمان ملل متحد در ۶ ماه اول سال ۲۰۱۴، ۱۵۶۰ غیرنظامی کشته و ۳۲۹۰ تن دیگر زخمی شدند. تلفات کودکان نیز در ۶ ماه اول سال ۲۰۱۴ میلادی ۳۴ درصد افزایش داشته، در حالی که تلفات زنان ۲۴ درصد افزایش یافته است.

۱۲اسد:

• چهارفرد نظامی و دوغیر نظامی در نتیجهٔ انفجار ماین امروز در ولسوالی چپرهار ولایت ننگرهار زخمی شدند. رییس صحت عامهٔ ولایت ننگرهار به رسانه ها گفته است، انفجار در ساحهٔ قریهٔ در اهلی ولسوالی چپرهار زمانی رخ داد که موتر رنجر پولیس از ساحه می گذشت و با ماین جاسازی شده کنارجاده برخورد نمود.

• به گفتهٔ احمد ضیا عبدالزی سخنگوی والی ننگرهار به رسانه ها، فضل مولا سارنوال محکمهٔ استیناف ننگرهار حین که برای ادای نماز صبح به مسجد در مربوطات ولسوالی خوگیانی می رفت در مسیر راه از سوی افراد مسلح ناشناس به ضرب گلوله کشته شد.

۱۴اسد:

• به قول رسانه ها، افراد یک خانواده شامل یک مرد، همسر و دو پسر هجده و چهار سالهٔ او زمانی هدف شلیک گلوله از سوی هلیکوپتر نیروهای بین‌المللی قرار گرفتند که اینها بر دو موتور سایکل سوار بودند. صدها تن از اهالی ولسوالی شیندند ولایت هرات اجساد آنها را در مقابل دفتر والی بردند، و علیه مقام‌های دولتی شعار دادند و آنها را متهم به بی کفایتی کردند. خویشاوندان این خانواده گفته اند که دو کودک این خانواده در این حادثه جان سالم به در برده‌اند.

• به گزارش رسانه ها، در اثر تیراندازی یک فرد در لباس ارتش افغانستان به کارمندان یک دانشگاه نظامی در کابل و همکاران خارجی آنها، یک جنرال آمریکایی کشته و ۱۵ نفر از جمله فرماندهٔ دانشگاه و یک جنرال آلمانی زخمی شدند. جنرال هارولد گرین بلندپایه ترین مقام نظامی بین المللی است که از زمان سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ کشته می شود. وزارت دفاع افغانستان اعلام کرده "یک تروریست" که لباسی مشابه لباس ارتش به تن داشت، به روی کارمندان دانشگاه دفاعی مارشال قسیم فهیم و همکاران خارجی آنها آتش گشوده است. به گفتهٔ وزارت دفاع، در این حمله "یک شخص که لباس نظامی به تن داشت، در آکادمی نظامی افغانستان بر منسوبین اردوی ملی و همکاران خارجی شان شلیک کرد که در اثر آن یک افسر خارجی کشته و شمار دیگری از افسران افغان و خارجی زخم برداشتند". اما بی بی سی گفته که، مطلع شده اند که تیراندازی، پس از یک مشاجره لفظی اتفاق افتاده است. منابع مطلع در وزارت دفاع به بی بی سی گفته اند که مهاجم یک سرباز افغان بوده که سه سال پیش به استخدام ارتش افغانستان درآمده بود.

۱۵اسد:

• مسوولان امنیتی ولایت کنر گفته اند، شب گذشته ۱۳۵ راکت از آنسوی خط دیورند بر ولسوالی های سرحدی این ولایت پرتاب شده است. عبدالحبیب سید خیل قوماندان امنیهٔ کنر امروز به رسانه ها گفته است، این راکت ها بر ولسوالی های شیگل و دانگام اصابت کرده، اما تلفات جانی در پی نداشته است. پاکستان از چهار سال بدین سو بالای ولسوالی های سرحدی کنر حملات راکتی را انجام داده است و قرار گزارش ها در نتیجهٔ آن ده ها تن کشته و زخمی و ده ها تن دیگر آورده شده اند.

• مسوولان امنیتی ولایت ارزگان به رسانه ها گفته اند، شش پولیس پس از مسموم شدن در ترینکوت مرکز این ولایت جان باختند. گلاب خان رییس مبارزه با جرایم جنایی قوماندانی امنیهٔ این ولایت گفته است، یکتن از منسوبین پولیس به همکاری طالبان مسلح بر مواد غذایی این افراد پولیس مواد مسموم کننده را انداخته بود. که این افراد پولیس شب گذشته پس از خوردن همین مواد غذایی آلوده، جان باختند.

• به قول رسانه ها، مولوی صبغت‌الله دو روز پیش در راه بازار راغستان ولایت بدخشان توسط دو مرد مسلح موتورسایکل سوار کشته شد. مقام‌های محلی بدخشان گفته اند که مردم خشمگین در ولسوالی راغستان دو مرد متهم به قتل مولوی صبغت الله را که در بازداشتگاه پولیس این ولسوالی بود، شامگاه پس از دفن جسد مقتول، به فرماندهی پولیس ریختند و وارد بازداشتگاه شدند و هردو متهم را با بیل و کلند و چاقو کشتند. اما مدیر تحقیقات جنایی بدخشان گفته است که مردم فرصت بازجویی از متهمان را ندادند و آن دو اعتراف نکرده بودند که مسوول قتل مولوی صبغت‌الله بودند یا نه.

•

د فلسطين په قضيه کې، د بانکي مون غفلت لامله...

بانکي مون چې د ملگرو ملتونو د هغې اداري سرمنشي دی چې د نړۍ په گوټ گوټ کې د امنيت او سولې ساتلو لومړني هدف د تحقق رسالت په غاړه لري. هغه هم يواځې د ملکي انسانانو د تلفاتو په ډېرښت د انديښنې څرگندونه کوي. او د پاکستان په څېر اتوم لرونکی هيواد او ځينې نور اسلامي هيوادونه چې کولای شي په نظامي ډگر کې د فلسطينيانو سره هر اړخيزې مرستې وکړي، ځکه د ډېرو اسلامي هيوادونو لخوا د اسرائيلو هيواد په رسميت نه پيژندل په حقيقت کې يواځې د فلسطين هيواد په رسميت پيژندل دي او دا حقيقت دوی ته دا حق ورکوي چې له فلسطينيانو سره نظامي معاهدې وکړي، د دوی نظامي قوت به د ښې او بدې لپاره پکار راځي؟!! او يا به يې لکه پاکستان اردن ته ليږي، څو فلسطينيان پرې شهيدان کړي!! نو د اسلام د دغو ټيکه دارانو ضميرونه کله راويښيږي. او د لبنان حزب الله او د ايران سپاه پاسداران چې په سوريه کې د عام ولس پر خلاف د يو ديکتاتور او بعثي کمونستي رژيم سره مل جنگيږي او تل د قدس د ساتلو ډېرې په سينه وهي او په شعاري توگه پرې سياست کوي، کله به د فلسطين د مسلمان ولس د ريښتينو وارثانو (حماس) مرستې ته وردانگي؛ که د داعش عمليات ورته د هلاکو او چنگيز له ظلم څخه زيات ښکاره شول نو آيا د اسرائيلو غاصبانو په لاس د معصومو کوچنيانو شهادتونه د کربلا په ميدان کې د معصومو کوچنيانو لکه علي رضا او..... له مظلومانه شهادتونو سره برابر ندي!! چې نن يې خولې هم گنډلې دي، څو د خپلې اتومي انرژۍ د ساتلو لپاره د څلورو مياشتو ورکړې مودې څخه گټه پورته کړي. خو نړيوال د امريکا او ايران په لوبه اوس پوهيدلي هم دي.

که طيب اردوغان په خپل ايماني شهامت سره د امنيت شورا غونډه رابللې او دغه مظالمو ته د ژينوسايد (انسان وژنې) نوم ورکوي او پدې سره د اسلامي خلافت د هغه ړنگيدو کفاره ورکوي چې د شلمې پېړۍ په لومړيو کې د مصطفی کمال اتاتورک په څېر وطن پلورونکو ترکي ځوانانو د طوراني تقدم په راژوندي کولو سره د عثماني امپراطورۍ پر ځای د ترکتباري امپراطورۍ خوب ليده، نو د ايران شاه عبدالعظيم او له هغه وروسته واکمنانو خو هم د اسلامي خلافت پر ځای د مړې فارسي او زردشتي امپراطورۍ په نشه مست کيدلو د خلافت په له مينځه وړلو کې رول لوبولی وو. لکه چې ملک شريف او له هغې وروسته سعودي واکمنانو هم د صلاح الدين ايوبي او محمد الفاتح قرباني. له نظره غورځولي وې چې د خلافت مرکز يې له استاني څخه مکې يا مدينې ته د راوړلو هڅه کوله. او نن د قطر هيواد له مشرتابه پرته د ټولو عربي هيوادونو د بې تفاوتيو لامله. د اسلامي امت او يهودو دغه تاريخي شخړه، چې د يهودو سره له پخواني شوروي نيولې تر المان، فرانسې. انگليس او امريکا پورې هر يو د فلسطين هيواد ته د يهودو په کډه کولو کې خپل مرستنيز رول لوبولی وو او اوس له انگليس څخه امريکا د اسرائيلو د متوليتوب ماموريت ترلاسه کړی، نو آيا سعودي، بحرين او امارات ددې پر ځای چې د قطر او ترکيې د مشرانو دريځ تائيد کړي، د مصر په څېر د امريکا تالي څټي گرځي او له دغه هيواد څخه خپل سفيران را غواړي څو امريکا خوشحاله کړي!! ددغو عربي هيوادونو او ايراني واکمنانو رسالت يوازې د سوريې له قضيې څخه په خوند اخيستلو سره خلاصيږي او که نه د کعبې معظمې په څېر د لومړۍ قبلې د خلاصون لپاره هم تاريخي رسالت په غاړه لري؟!!

د طيب اردوغان ولس سترگې خو مصطفي کمال اسلامي امت ته تيتې کړې وې مگر اردوغان يې بېرته اوچتوي. خو د شاه عبدالعظيم او ملک شريف کورنيو وارثان لا تراوسه هم د اسلامي مقدساتو په نوم يوازې سوداگري کوي او بس.

تاريخ به دوی او مصري ديکتاتور جنرال او د خپل ولس قاتل عبدالفتاح السيسي هم له خپل بېرحمانه قضاوت څخه هير نکړي. مگر د دوهمې نړيوالې جگړې وروسته رامينځته شوی د ملگرو ملتونو سازمان جنرال سکرتر انساني ضمير هم نن د فرانسې ولس ننگوي؛ چې په زرگونه فرانسويان په لاريونونو کې چيغې وهي چې د اسرائيلو د انسانيت وژنې پر وړاندې مونږ ټول د حماس او فلسطين ملگري يو او هم د جنوبي امريکا هيوادونه برازيل، چيلي، کيوبا، وينزويلا او نيکاراگوا قيادتونه حق ويني، مگر بانکي مون او جان کيري ايله هغه مهال وايي چې ټاکو اوس خوله ولگوله چې کله د کلي د ملا غوا يې وخوړله او اسرائيلو يو څه نا انډوله تلفات ولېندل!! د يوې مياشتې راهيسې نا انډوله جگړې په اړه د نړۍ سترگې پټول د بشريت پورې خندا ده او د عربي هيوادونو بې غيرتي د عربي وروروللۍ څخه د بغاوت معنی ورکوي څو اسلامي امت د يو بل معتصم بالله انتظار باسي چې د يوې مسلماني خور د (وا معتصماه) چيغې ته د خواب په څېر د معصومو کوچنيانو په شهادتونو يې زړه ودرديږي او امت د ظالم له پنجو څخه وژغوري.

قاتلین مردم غزه...

قبل از این حمله، وزیر دفاع امریکا در سفر به اسرائیل از تاسیسات ضد موشکی گنبد آهنین و گسترش بیشتر آن با مقامات اسرائیلی مذاکره نموده بود تا در جنگ غزه، تاثیر این موشک ها به اسرائیل را به حداقل برساند. مقامات استخباراتی انگلیس نیز اسرائیل را در جمع آوری اطلاعات در حد وسیعی یاری نمودند.

چندین تلاش که به منظور آتش بس صورت گرفت نیز با شکست مواجه شد زیرا ناتانیاهو صدراعظم اسرائیل وعده داده بود تا حماس را با ضربات کوبنده از پا درآورد اما علی الرغم سه هفته بمباران، اثری از شکست و حتی کاهش در مقاومت حماس دیده نمی شود.

به اعتراف اسرائیل تا روز سه شنبه که آتش بس سه روزه میان حماس و اسرائیل اعلام گردید، تعداد ۶۴ سرباز اسرائیل کشته و بیش از ۴۰۰ تن دیگر زخمی شده اند. تلاش اسرائیل برای ویران کردن تمام تونل های ساخته شده در نواز غزه توسط حماس نیز کاری دشوار و وقت گیر است و اسرائیل نمی توانست بیش از این به حضور در غزه ادامه بدهد.

اسرائیل می خواست تا تمام این تونل ها را ویران کند اما این کار برایش گران تمام شده است. کشته شدن دهها سرباز اسرائیلی در این جنگ به حیثیت صدراعظم اسرائیل صدمهٔ شدید وارد کرده است. کشتار غیرنظامیان در سراسر جهان احساسات مردم را علیه جنایات رژیم اسرائیل برانگیخته است.

اما در بسیاری از کشورهای اسلامی سکوت معنی داری حکمفرماست. پادشاه سعودی در سخنانی ضعیف و بدون اینکه از غزه نامی ببرد، از کشتار فلسطینی ها توسط اسرائیل انتقاد کرد و اگر سخنان وی را با سخنان رئیس جمهور فرانسه فرانسوا اولاند مقایسه کنیم، سخنان اولاند خیلی واقع بینانه تر بود. مصر در بدترین شرایط برای مردم رفح در غزه، حاضر به بازکردن راه برای عبور مهاجرین و حتی مجروحان نشد.

اما حماس هم در این جنگ، از فرصتی که بدست آورده و فشاری که بر اسرائیل وارد آمده است می تواند استفاده نماید. نوار غزه سالهاست که تحت محاصرهٔ رژیم صهیونیستی قرار دارد و حتی ارسال مواد ساختمانی به این منطقه با محدودیت های شدید از جانب اسرائیل مواجه است. محاصرهٔ غزه در طول سالهای گذشته را وجدان های بیدار به (نسل کشی خاموش) تعبیر کرده اند. اکنون که اسرائیل از دست یابی به اهداف خویش ناکام مانده و نیز با کشتار مردمان غیرنظامی غزه، زیر فشار افکار عمومی حتی در کشور های حامی خود نیز قرار گرفته است و از قدرتی بالاتر از آنچه که تاکنون علیه مردم غزه بکار گرفته است نمی تواند استفاده کند، حماس می تواند رفع محاصرهٔ غزه را بعنوان پیش شرط آتش بس مطرح سازد و اگر چنین شود می توان گفت که اسرائیل در جنگ غزه به شکستی خفت بار مواجه شده است.

اگر اسرائیل حق دفاع از خود را دارد، مردم نوار غزه هم حق دارند تا از زندان بزرگی که اسرائیل بر آنان تحمیل کرده است بیرون بیایند. باید کشورهای اسلامی قاطعانه از این خواست مشروع و انسانی مردم غزه حمایت نمایند و غزه از محاصره نجات یابد.

جنگ غزه یکبار دیگر نشان داد که اگر اسرائیل مجرم است، و مجرم تر از همه امریکا و رژیم های دست نشاندهٔ اسرائیل و امریکا در جهان اسلام اند که باید قاتل مردم مسلمان و بی دفاع فلسطین دانسته شوند.

عجیب است که با اینهمه جنایت، کسی جرئت ندارد تا نسل کشی اسرائیل در غزه را بعنوان جنایت جنگی در دادگاهی به بررسی بگیرد اما بعضی ها حماس و مردم فلسطین را بخاطر مقاومت شان برای زنده ماندن محکوم می کنند. آیا نظام جهانی با چنین معیارهای متفاوت می تواند ادامه یابد؟

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رَهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ هفدهم ۱۸ اسد ۱۳۹۳ ۱۲ شوال المکرم ۱۴۳۵ 9 August 2014

د فلسطين په قضيه کې، د بانکي مون غفلت لامله،

اوس اردوغان او د قطر واکمن رسالت ترسره کوي





□ ناصر شفيق

د جولايي لـه اتمې نيټې څخه پيل شوې د فلسطيني او اسرائيلو نا انډوله جګړه کې تر دا مهاله پورې د فلسطيني لوري د شهيدانو شمير له نولس سوو څخه اوښتی، چې ډير يې ملکي وګړي او نږدې څلور نيم سوه تنه يې معصوم کوچنيان او له دوه سوو څخه زيات يې ښځې دي او نږدې له لس زرو څخه زيات فلسطينيان ټپيان شوي دي او د اسرائيلي لوري تلفات د لويديځو رسنيو له مخې اوه شپيتو ته رسيدلي چې يوازې دری تنه يې ملکي وګړي دي؛ پداسې حال کې چې د حماس ادعاء له دې ډيره ده.

ددغې نا انډوله جګړې د ختمولو لپاره يوازې يوه اونۍ وړاندې بانکي مون اوجان کيري د (تاکو اوس خوله ولګوله) له مصداق سره سم. د جګړې ژر بندولو لپاره متې راونغاړلې او له دواړو لوريو څخه يې غوښتي دي چې پرته له کوم شرطه د جګړې بندولو لړ کې اقدامات وکړي.

دا صحيح ده چې جګړې د حل لياري ندي او په جګړو کې تل په جګړه د ښکېلو لوريو تر څنګه ملکي وګړي هم تلفات اوسي؛ لکه چې په دې نا انډوله جګړه کې چې فلسطيني لوري يواځې د اتو سوو ډالرو په بيه جوړشوي توغندي وتوغول؛ څکه لدې پرته يې بله وسه نلري او د هغې په وړاندې هم له اسرائيلو سره د توغول کېدونکو مېزائيلو او توغنديو د خنثې کولو دفاعي توان شته. خو د اسرائيلو لخوا فلسطينيانو باندې د هغو ړندو بمباريو په وړاندې بيا له فلسطيني ولس سره هيڅ نشته. مګر دا چې صبر وکړي او د شهادت په پاکه جذبه دغو بمباريو ته خپلې سينې سپر کړي؛ لکه چې دغه شهامت يې هم وښوده؛ چې د ړندو بمباريو لامله روغتونونه او کلينيکونه يې له ځمکې سره هموار شو او په هره حمله کې (چې تر دا مهاله له دوه زرو زيات هوايي بريدونه اسرائيلو ترسره کړي) د معصومو کوچنيانو، بوډاګانو او ښځو د شهادت شمېره خو برابره د جګړې د توان لرلو ځوانانو څخه زياته ده.

د ځمکنې يرغل څخه دمخه، د امريکې دريځ دا وو چې: اسرائيليان له خپلې خاورې څخه د مشروع دفاع حق لري او چې تر څو فلسطيني توغندي نه وي ودريدلي، تر هغې به بمباری دوام لري. پداسې حال کې چې دغه توغندي چې فلسطينيان يې کاروي عام وګړي يې هم ساتلی او کارولی شي مګر د هوايي بريدونو ترسره کوونکي الوتکې او د ځمکې د لياري يرغل لپاره اسرائيلي ټانکونه، شوبلي او بند تر بند ګاډي خو اسرائيلي دولتي ملکيت دی، چې دولت يې ځواب ويونکې بايد اوسي.

خو بيا هم ړنده امريکا دا دواړه سره برابروي!! او يواځې د اسرائيلو دريځ تکراروی؛

۷مخ



شهید
سیف الله مجاهد

شهید قوماندان سیف الله مجاهد در سال ۱۳۴۲ هـ ش در قریهٔ خواجه دادخیل کتب خیل ولسوالی محمد آغهٔ ولایت لوگر در یک خانوادهٔ مسلمان و متدین متولد گردید و تحصیلات ابتدایی و ثانوی خویش را در لیسهٔ عالی محمد آغه به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۸ در تنظیم جمعیت اسلامی افغانستان پیوست و به جهاد مسلحانه علیه حکومت ملحد آغاز نمود. وی در سال ۱۳۶۱ بعد از شهادت برادرش سمیع الله (مجاهد) به حیث مسوول جبههٔ جهادی حوزهٔ شماره یک محمد آغه انتخاب گردید و تا پیروزی جهاد مسوولیت این جبهه را به عهده داشت.

قوماندان سیف الله مجاهد در سال ۱۳۷۳ بعد از پیروزی مجاهدین بحیث آمر مالی ولسوالی محمد آغه ایفای وظیفه نمود. در سال ۱۳۸۸ بحیث شاروال ولسوالی محمد آغه توظیف و تا روز شهادتش این وظیفه را به پیش برد. سرانجام این مجاهد و دلسوز مردم و وطن، ساعت هشت و نیم شب ۹ اسد سال جاری -۱۳۹۳- از سوی افراد مسلح در منزلش به شهادت رسید.

روحش شاد و یادش گرامی باد

جمعیت اسلامی افغانستان، شهادت برادر مجاهد، سنگردار دوره های جهاد، شهید سیف الله مجاهد را در حالیکه ضایعه می داند، برای وی بهشت برین از بارگاه ایزد لایزال مسئلت می نماید و به خانواده، بستگان و مردم شریف ولایت لوگر تسلیت عرض می کند.

داکتر فضل الله مجددی والی لغمان که در دوران جهاد مردم مسلمان افغانستان امیر جبهات جهادی جمعیت اسلامی در ولایت لوگر بود، شهید سیف الله مجاهد را نزدیک می شناخت و از فرماندهان زیر امرش بود، از کارنامه های وی آگاهی کامل داشت، طی پیامی دلاوری و شجاعت وی را ستوده، شهادت وی را ضایعهٔ برای مردم ولایت لوگر و جمعیت اسلامی می داند.

*

مراسم فاتحه خوانی شهید سیف الله مجاهد، روز سه شنبه ۲۱ اسد از ساعت یک و نیم تا سه و نیم بعد از ظهر در مسجد شهرک طلایی در کابل گرفته می شود، دوستان مطلع باشند.

عجب دیدگاه هایی!

تقلب بهر نوعی آن جرم نیست، اما پرده برداری و افشاگری آن جرم است!

□ خُرمی

بعد از پیروزی جهاد مردم مسلمان افغانستان، هفته نامهٔ مجاهد ارگان نشراتی مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان نشراتش را - شاید یگانه نشریه در کابل باشد - آغاز کرد. این نشریه و در مجموع نشریه های این حزب، علاوه از مطالب دیگر به نشر مطالب انتقادی نیز می پرداخت. این نشریه ستونی داشت زیر عنوان "غربال" که گپ های انتقادی و اصلاحی و زیادتر آنچه اسنادی مربوط به فساد اداری در دسترس قرار می گرفت به آن ستون جا داده می شد.

باری مطلبی رسید که در یکی از وزارتخانه ها واتر پمپ آب از چاهی کشیده شده و به سرقت رفته است. – البته در آن وقت نام وزارتخانه گرفته شده بود - این مطلب وارده هم جایش را در ستون "غربال" باز کرد. بدون تردید واضح بود با اشارهٔ آن وزارت، چندی بعد دو نفر از سارنوالی بدفتر نشریه آمدند، گویا در این مورد تحقیق نمایند که موضوع از چه قرار است و دوسیه برای این نشریه باز کنند!

سارنوالان که سوالاتی قبلاً تهیه شده در دست داشتند، روی چگونگی آنچه نشر شده، طالب وضاحت شدند تا مسوول نشریه پاسخ دهد. برایشان گفته شد اول شما لطف نموده بروید به آن وزارت محترم و به چاه آب نظر اندازید که ماشین واتر پمپ موجود است یا نه؟ بعداً از مسوول آنجا باید بپرسید که موضوع از چه قرار است بعد از اینکه موضوع برای شما آشکارا شد و مطلب منتشره درین نشریه غلط ثابت گردید و وزارت محترم بالای نشریه ادعای رسمی کرد، می توانید تحقیق نمایید در غیر آن خوش آمدید و جای بازپرس از ما را ندارد.

با این گفته ها، واقعاً سارنوالان با دیدن بسوی یکدیگر قانع شدند و رفتند. گرچه گفتند که خواهیم برگشت اما تا جایی که قضیه روشن بود، دیگر برنگشتند.

هدف از یاددهانی این مطلب بعد از حدود ۲۱ سال، این است که در این روزها هم اشخاص، گروه ها و حلقات و واضح تر گفته شود تیم انتخاباتی ای، به نحوی از انحا، بصورت پیدا و پنهان و با اتخاذ سمت و سویی آشکاری که دارند، به همه واقعیت های که در برابر شان قد علم می کند، اسنادی مربوط به جهت گیری های واضح و تقلب های انتخاباتی شان برملا می گردد، فایل های صوتی شان پخش می شود، بسته های تصویری تقلب به نمایش گذاشته می شود، بدون معطلی و قضاوت موضوع، نماینده ها و تحلیلگرهایی بر کرسی دفاع تکیه می زنند و نه می گویند و بس! به قولی تذکر رفته در بالا، بدون اینکه به چاه بنگرند! سراسیمه می شوند و یکسره در رد موضوع می پردازند! و می گویند به نهادهای عدلی و قضایی جهت بررسی محول می کنند! حتی در برخی موارد، به دزد آرای مردم - بهر شیوهٔ باشد – که نامش تقلب گذاشته شده، نمی گویند جرم را مرتکب شده بلکه، به گیرنده و افشا کنندهٔ آن اتهام می بندند که جرمی را انجام داده است!

عجب داوری ها و دیدگاه هایی! که خیانت به یک روند – آنهم به ملت بر می گردد که روند ملی می خوانیم – جرم تلقی نمی گردد اما پرده برداری و افشا سازی آن جرم خوانده می شود! **"تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!"**